

تحلیلی بر عوامل پیدایش و رشد سریع دولت اسلامی در سوریه و عراق

کامران طارمی^۱

دانشیار روابط بین الملل دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت ۹۴/۱/۱۷ - تاریخ تصویب ۹۴/۳/۲۷)

چکیده

از سال ۲۰۱۰ تا کنون سازمان موسوم به دولت اسلامی تبدیل به قویترین گروه تروریستی در خاورمیانه گشته و تهدیدات جدی متوجه امنیت منطقه نموده است. این مقاله به بررسی چگونگی تشکیل و تطور این سازمان از زمان تشکیل آن در سال ۲۰۰۳ و نیز عوامل درون سازمانی موثر بر پیشرفت و گسترش آن در سطح منطقه می پردازد. این مقاله تلاش می کند تا نشان دهد که شکل گیری و تکامل سازمان مدیون تعامل عوامل گوناگونی نظیر رشد تفکر سلفی-جهادی در دهه ۱۹۸۰، دخالت قدرت های بزرگ در امور منطقه، و بی ثباتی های حاصل از بیداری اسلامی در سوریه است. در باب علل رشد و گسترش سازمان مقاله بر آن است که نشان دهد عوامل درون سازمانی نظیر پیام های امید بخش سازمان برای اهل تسنن در منطقه، حکمرانی موثر و موفق سازمان، توانائی های سازمان در عرصه نظامی، و مدیریت قوی منابع مالی مهمترین علل درون سازمانی موفقیت های دولت اسلامی در این محدوده زمانی بوده اند.

واژگان کلیدی: القاعده، دولت اسلامی، عراق، سوریه، اسلام سلفی و جهادی

مقدمه

در خرداد ماه سال ۱۳۹۳ سازمان تروریستی موسوم به دولت اسلامی که پیشتر به نام دولت اسلامی عراق و شام یا به اختصار داعش شناخته می شد در یک حمله ناگهانی توانست بخش عمده ای از غرب عراق من جمله موصل دومین شهر بزرگ آن کشور را به تصرف خود در آورد. از آن زمان تا کنون دولت اسلامی موفق شده است تا با حمله به ارتش عراق و پیشمرگه های دولت اقلیم کردستان به جز موصل شهر های بیجی، حویجه، فلوجه، تل افر، سنجار و رمادی در سه استان انبار، صلاح الدین، و نینوا را به کنترل خود در آورد و نیروهای آن در شرق عراق نیز در مقطعی توانستند تا حدود ۴۰ کیلومتری مرز ایران نیز پیشروی کنند. در سوریه، طی نبرد با ارتش این کشور و سایر گروه های معارض، دولت اسلامی موفق شده است که استان رقه، و شهرهای منبج، الشدادی، مرکاوه، ابوکمال، الباب، و پالمیرا را در شرق و مرکز سوریه به تصرف خود در آورد. به این ترتیب، دولت اسلامی توانسته است کنترل کارخانجات صنعتی بسیار، ۴۰ الی ۷۰ چاه نفت در عراق، سد طبقه در سوریه، و ۶۰ در صد منابع نفتی سوریه را در دست گیرد. گفته می شود دولت اسلامی یک سوم از خاک دو کشور سوریه و عراق را در دست دارد به نحوی که مساحت قلمرو آن تقریباً برابر مساحت کل خاک کشور اردن گشته است. تخمین زده شده است که این منطقه حدود پنج الی شش میلیون نفر جمعیت دارد. علاوه بر آن، دولت اسلامی سپاهی متشکل از چندین ده هزار نفر نیروی آموزش دیده، مسلح، و مومن و معتقد به آرمان های خود تشکیل داده که نشان داده است که می تواند به نحو موثری از قلمرو آن دفاع کند. (Lim, 2014: 2)

با عنایت به مطالب فوق، دو سوال قابل طرح است یکی اینکه چه عواملی بر شکل گیری سازمان از زمان تاسیس آن در سال ۲۰۰۳ اثر گذاشته است و دوم آنکه سازمان دولت اسلامی که در سال ۲۰۱۰ تقریباً از میان رفته محسوب می شد چگونه توانسته است ظرف مدتی نسبتاً اندک به چنین توفیقات چشمگیری دست پیدا کند. به عبارت

دیگر، چه عواملی زمینه را برای رشد سریع دولت اسلامی در پنج سال گذشته فراهم کرده اند.

در راستای پاسخ به سوال های فوق این مقاله ابتداء به بحث در مورد عوامل موثر بر شکل گیری دولت اسلامی می پردازد. در این قسمت تاکید بر تحلیل چگونگی تولد سازمان دولت اسلامی از درون سازمان القاعده در عراق و تشریح اختلافات استراتژیک و عملیاتی است که زمینه ساز این تحول و نهایتا تشکیل گروه دولت اسلامی به عنوان یک سازمان مستقل از القاعده شد. در بخش بعد مقاله به تحلیل عوامل درون سازمانی می پردازد که سبب رشد و گسترش آن در عراق و سوریه شده است.

عوامل موثر در پیدایش و شکل گیری دولت اسلامی

ریشه های دولت اسلامی را باید در سازمان القاعده در بین النهرین و یا با نام آشنا تر آن القاعده در عراق جستجو کرد. بنیان گذار این سازمان یک اردنی فلسطینی الاصل به نام احمد فاضل النزال الخلالیه معروف به ابو مصعب الزرقاوی بود. زرقاوی در دهه ۱۹۸۰ میلادی به جرم تجاوز و در اختیار داشتن مواد مخدر در اردن به زندان افتاد. او در طول دوران حبس تحت تاثیر افکار یکی از علما و متفکرین بنیاد گرای سنی به نام عبدالله عظام که او هم فلسطینی و اردنی الاصل بود قرار گرفت و به این ترتیب بزه کاری را کنار گذاشت و وارد سلک نیروهای مذهبی گشت. در این رابطه او خود می گوید: "پیشتر نوارهای شیخ عبدالله عظام به دستم می رسید که روحش شاد باد. او تاثیر زیادی بر تصمیم من برای ورود به عرصه جهاد داشت." (Hisham, 2014: 2) به دنبال یک عفو عمومی زرقاوی در سال ۱۹۸۸ از زندان آزاد شد.

تحت تاثیر سخنرانی های عظام مبنی بر لزوم جهاد بر علیه نیروهای اشغالگر روس در افغانستان، زرقاوی بعد از عفو در سال ۱۹۸۹ راهی آن کشور شد تا با پیوستن به گروه های جهادی سنی با ارتش شوروی بجنگد. اما زمانی که او به افغانستان رسید، دیگر ارتش شوروی از افغانستان خارج شده بود. در اثناء اقامت در پیشاور در پاکستان

وی با یکی از نظریه پردازان و علمای سلفی به نام اسامه ابن محمد ابن طاهر البرقاوی معروف به شیخ ابو محمد المقدیسی آشنا شد و تحت تاثیر تعالیم او قرار گرفت. طولی نگذشت که مقدیسی تبدیل به معلم و شریک فعالیت های اسلامی زرقاوی گشت. سپس او در سال ۱۹۹۲ همراه مقدیسی به اردن بازگشت. پس از بازگشت به وطن، وی تلاش کرد تا اندیشه های مقدیسی را ترویج و منتشر کند. وی همچنین اقدام به سازمان دهی یک حمله انتحاری ناموفق بر علیه یک سالن سینما نمود و به صورت علنی اقدام به سخنرانی بر علیه ملک حسین پادشاه وقت اردن به خاطر قرارداد صلح وی با اسرائیل کرد. به همین علت او توسط نیروهای امنیتی دولت اردن دستگیر و به اتهام فعالیت های تروریستی به پانزده سال حبس محکوم گشت. همزمان مقدیسی نیز دستگیر شده و در زندان به زرقاوی پیوست. ولی در سال ۱۹۹۹ هر دوی آنها به مناسبت تاجگذاری عبدالله دوم پادشاه کنونی اردن مورد عفو قرار گرفته و از زندان آزاد گشتند. (Kirdar, 2011: 2)

پس از آزادی از زندان، زرقاوی مجددا راهی افغانستان شد. او در افغانستان سازمانی به نام جماعت توحید و جهاد را پایه گذاری نمود که هدف آن سرنگون کردن حکومت اردن با توسل به زور بود. (McClure 2010: 50) در این برهه او تحت نظارت حکومت طالبان در پادگانی که در شهر هرات تاسیس کرد به آموزش نظامی داوطلبان عربی پرداخت که از منطقه شامات (سوریه، اردن، لبنان، و فلسطین اشغالی) برای کمک به طالبان راهی این کشور شده بودند. اما وقایع یازده سپتامبر سال ۲۰۰۱ و سپس حمله آمریکا به افغانستان در همان سال کار زرقاوی را ناتمام گذارد و او را وادار نمود که برای آنکه توسط نیروهای آمریکایی و متحدان افغان آنها دستگیر نگردد در سال ۲۰۰۲ از افغانستان بگریزد. بعد از ترک افغانستان زرقاوی راهی کردستان عراق شد جایی که یکی از سازمان های بنیادگرای کرد وابسته به القاعده به نام انصار الاسلام فعالیت می نمود. زرقاوی در حین اقامت در افغانستان با بعضی از اعضای این سازمان آشنا شده

بود و منطقه تحت کنترل آنها را پناهگاه امنی برای خود بر می شمرد. یکی دیگر از دلایل رفتن زرقاوی به عراق آماده نمودن زمینه برای مقابله با حمله قریب الوقوع آمریکا به آن کشور بود. (Riedel, 2008: 88)

به دنبال حمله آمریکا به عراق در بهار سال ۲۰۰۳، زرقاوی تصمیم به ادامه فعالیت‌های جهادی خود گرفت از این رو سازمان جماعت توحید و جهاد را مجدداً احیاء کرد. یک سال بعد در سال ۲۰۰۴ زرقاوی اعلام کرد که با بن لادن رهبر سازمان القاعده بیعت نموده است و به این سبب نام سازمان خود را به القاعده در بین النهرین یا به عبارت آشناتر به القاعده در عراق تغییر داد. به این ترتیب زرقاوی از فرماندهی یک سازمان جهادی اسلامگرا تبدیل به نماینده رسمی القاعده در عراق شد. سازمان القاعده در عراق هم در واقع نخستین شاخه القاعده در خارج از مرزهای افغانستان و پاکستان بود. (ISIS, 2014: 23) این تحول به زرقاوی کمک کرد که از حمایت‌های معنوی، مالی، لجستیک، و نظامی سازمان القاعده برخوردار شود. (Hashim, 2014: 5)

ایدئولوژی القاعده در عراق

بخش ذیل به بررسی ایدئولوژی القاعده در عراق اختصاص دارد. این بررسی از آن جا ضرورت دارد که ایدئولوژی سازمان آنگونه که توسط زرقاوی تعبیر و تفسیر شد بعدها مبنا و اساس فعالیت دولت اسلامی قرار گرفت. در این رابطه ابوبکر البغدادی رهبر فعلی دولت اسلامی میگوید: "مسیری که (شیخ زرقاوی) در آن پا گذاشت - و تابلوهای راهنمای آن را او نصب نمود و به سویشان هدایت کرد - کسانی که بعد از او آمدند آن‌ها را تعقیب نمودند و ما هم انشاءالله پا جای پای آنها خواهیم گذاشت (Bunzel, 2015: 13)."

ایدئولوژی سیاسی القاعده در عراق ریشه در گفتمان اسلامی در بین اهل تسنن دارد که در سه ده گذشته شکل گرفته و نام سلفی گری جهادی بر آن گذاشته شده است.

برای درک این ایدئولوژی باید به کندوکاو در مهمترین اصول آن که عبارتند از توحید، تکفیر، الولی و البراء، و جهاد پردازیم.

هدف اصلی در تفکر سلفی پاکسازی دین از تفکرات شرک آمیز است. به زعم سلفی ها این تفکرات با گذشت زمان وارد اسلام شده و اسباب تحریف شریعت الهی را فراهم کرده اند. لازمه زدودن شرک از پیکر اسلام بازگشت به اصل توحید است آنگونه که این اصل از سوی رسول خدا و در قران کریم مطرح شده. از نظر آنها مصادیق بارز شرک اکبر عبارتند از پرستش بت ها، و مقدس شمردن بعضی انسان ها و قیورشان. آنها به خصوص شیعیان را به واسطه آنچه آن را احترام بیش از حد و حصر این قوم به اهل بیت رسول خدا (ص) می پندارند مشرک، مرتد، و از دین برگشته می دانند (Bunzel, 2015, 8).

دسته دیگری از مسلمانان که به زعم سلفی های جهادی به شرک آلوده شده اند طرفداران دموکراسی هستند. آنها این دسته را از آن جهت مشرک می پندارند که توحید حاکمیتی را نقض کرده اند. این جنبه از توحید به وسیله متفکرانی مثل سید قطب و ابو العلا مودودی مطرح شده و می گوید که به عنوان خالق هستی این تنها خداوند است که می تواند با تشریح و قانونگذاری اعلام کند که حق و باطل کدام است.

تکفیر یعنی اعلام کنیم که کسی کافر و بی دین است. امر تکفیر به سلفی های جهادی اجازه می دهد که هر کس را که تفسیر و تعبیر آنها از توحید را قبول نداشته و بر مبنای آن عمل نکند را کافر بدانند. بر خلاف اکثر سلفی ها که اصل تکفیر را در مورد افراد می پذیرند، سلفی ها جهادی معتقدند این اصل را در مورد جوامع و دولت ها هم می توان بکار گرفت (Ashour, 2009: 9). بدین ترتیب، از دیدگاه سلفی های جهادی، هر دولتی که حاکمیت خداوند را رد کند باید مرتد دانست. یک نکته دیگر هم که باید به آن اشاره کرد این است که در حالیکه سایر سلفی ها فرآیند بسیار

سخت گیرانه ای برای اعلام تکفیر دارند، ولی سلفی های جهادی معیارهای بسیار نازلی را در این زمینه در نظر گرفته اند. آنها اعتقاد دارند که "هر کسی که کلامی را بر زبان بیاورد و یا عملی را انجام دهد که حاکی از کفر باشد به خاطر این کلام و یا عمل مرتد محسوب می شود حتی اگر قصد نداشته باشد که از این طریق ارتداد خود را برساند (Haykel, 2009: 52)".

اصل الولی و البراء که تحول نسبتاً تازه ای در تفکر اسلامی اهل تسنن است (Wagemakers, 2009: 81) را در ابتدا رئیس مذهب حنبلی بدعتی در دین می دانست. اما با پیدایش علمای سنی مانند ابن تیمیه در قرن ۱۳ میلادی و اخیراً مقدیسی به یکی از اصول اساسی تفکر سلفی های جهادی بدل گشته است. تعبیر و تفسیر مقدیسی از الولی و البراء رابطه ای بین ادای شهادتین و توحید بر قرار می کند که "محکوم نمودن رهبران سیاسی کشورهای اسلامی را به وظیفه ای برای مسلمانان تبدیل می نماید که راه گریزی از آن ندارند. به جای آنکه به آنها اعلام وفاداری کنند، مقدیسی تاکید دارد که مسلمانان به خاطر اصول دینشان موظفند که از رهبران سیاسی خود که پایبندی عملی به اسلام ندارند تبری بجویند (Ibid.: 94)". در عمل اصل الولی و البراء نه تنها وظایف مشخصی را بر عهده مسلمانان می گذارد بلکه جهان را هم به دو اردوگاه اهل ایمان و اهل کفر تبدیل می نماید. بر پایه این نظرات و دیدگاه ها، جهادی های سلفی مثل مقدیسی می گویند به کار گیری اصل تکفیر در مورد مسلمانان موجه است زیرا گناهمانی که آنها مرتکب شده اند گناه کبیره است و لذا نیازی به اثبات اعتقاد به گناه، استحال (مجوز دادن به گناه) و جهاد (رد کردن اینکه عملی گناه محسوب می شود) که همه از شرایط و معیارهای لازم برای تکفیر هستند نیست.

رویکرد آنها به اصل جهاد هم یک وجه ممیزه سلفی کاملاً مشخص دارد. عناصر جهادی من جمله اعضای القاعده بطور سنتی حامی "جهاد دفاعی" بودند به نحوی که مبارزات خود را ذاتاً دفاعی معرفی می کردند (Jansen, 1986). آنها معتقد بودند که

خاورمیانه مورد تهاجم حاکمان مرتد و لائیک و حامیان صلیبی آنان در غرب قرار گرفته است و لذا مبارزه آنها بر علیه این حکومت ها و حامیان آنها جهاد دفاعی است. آنها بر این نظر بودند که روسای کشورهای اسلامی همه خائن، کافر، گناه کار، دروغگو، متقلب، و مجرم هستند. علی رغم اشتراک نظر در مورد جهاد دفاعی، در مورد الویت های جهاد بین گروه های سلفی جهادی اختلاف وجود دارد. بر خلاف نظر رهبران القاعده که اولویت را به جهاد با دشمن دور یعنی آمریکا میدانند، زرقاوی و رهبران بعدی سازمان معتقد بودند که اولویت در جهاد با روسای فاسد کشورهای اسلامی است. در حالی که بن لادن می خواست با ساقط کردن آمریکا زمینه را برای فروپاشی حکومت های وابسته به آن در جهان اسلام را فراهم کند، زرقاوی و یارانش می خواستند با نابود کردن نظام های وابسته به غرب در ملل اسلامی راه را برای نابودی آمریکا هموار کنند. به این ترتیب گرچه هر دو گروه به جهاد دفاعی اعتقاد داشتند ولی در استراتژی یعنی در نحوه به کار گیری جهاد بر علیه دشمنان اسلام با یکدیگر اختلاف نظر داشتند.

هر دو گروه همچنین معتقد به جهاد تهاجمی هستند که بر اساس مشی وهابیت مبتنی بر لزوم ریشه کن کردن شرک و بت پرستی در هر جا و مکانی است که رشد و نمو کرده باشد. از نظر زرقاوی و رهبران بعدی سازمان هدف اصلی از جهاد تهاجمی شیعیان منطقه خاورمیانه هستند. آنها در توجیه این امر می گویند گذشته از اینکه اعتقادات شیعیان امیخته به شرک است، آنها گرایشات توسعه طلبانه هم در خاورمیانه دارند که مبارزه با آنها را به یک ضرورت عملی تبدیل می کند. آنها بر این نظر بودند که شیعیان طرحی برای بوجود آوردن یک هلال شیعی در خاورمیانه دارند که یک سر آن در تهران و سر دیگرش در بیروت است. آنها جمهوری اسلامی ایران، رژیم اسد در سوریه، و حزب اله لبنان را اجزاء این هلال شیعی بر می شمردند. آنها می پندارند که ایران می خواهد عراق را به یک کشور شیعی تبدیل کند و آمریکائی ها هم در این

توطئه شریک جرم آنهاست. به زعم آنها، تبدیل عراق از یک کشور سنی به مملکتی شیعه در طول دوران معاصر شاهد و مدرکی بر شیعه سازی تدریجی عراق است (Bunzel, 2015: 10, 11).

این پنج اصل تشکیل دهنده جهان بینی سلفی های جهادی است و سمت گیری آنها را نسبت به امت اسلام مشخص می کند، امتی که از دیدگاه آنها مورد تهاجم کفار و مرتدین قرار گرفته است. یکی از سلفی های جهادی به نام ابو میصره می گوید که تلاش های آنها "موضوعی که مربوط به عراق به معنای جغرافیایی آن باشد نیست بلکه مربوط به همه اسلام عزیز ماست (MEMRI, 884)". این رویکرد نسبت به امت به جای ملت است که موجب تمایز میان سلفی های جهادی و سلفی های عراقی می گردد. سلفی های عراقی به دنبال آن بودند که عراق را از دست اشغالگران خلاص نموده و آن را به مردم آن کشور برگردانند، ولی سلفی های جهادی در عراق که در قالب سازمان القاعده در عراق سازماندهی شده بودند هدفشان "تشکیل مجدد خلافت خلفای راشدین بر اساس الگوی پیامبر است زیرا بر اساس سنت هر کس که بمیرد بدون آنکه با یک رهبر اسلامی بیعت کرده باشد کافر مرده است (Ibid.)."

استراتژی القاعده در عراق

اولین نشانه های استراتژی القاعده در عراق برای تشکیل خلافت در این کشور را هم می توان در حملات ماه اوت سال ۲۰۰۳ این سازمان یافت وهم در نامه زرقاوی که به دست نیروهای آمریکایی افتاد. در این نامه زرقاوی می گوید که خداوند با آوردن دشمن دور (آمریکا) به سرزمین های اسلامی (عراق) امت اسلام را مورد لطف خود قرار داده است. او اضافه می کند که اکنون جبهه اصلی برای جنبش سلفی جهادی فرا ملی در کشور عراق واقع شده است. او سپس ادامه می دهد که "دین خدا به ما می گوید که جنگ اصلی و سر نوشت ساز میان اسلام و کفر در این سرزمین یعنی شامات و حوالی آن صورت می گیرد. پس ما باید از هیچ تلاشی فرو گذار نکنیم و فوراً سعی

کنیم تا جای پای برای خودمان در این سرزمین باز کنیم (Zarqawi's Letter, 2004). با جا انداختن خود در عراق اشغالی، سازمان القاعده در عراق امیدوار بود که بتواند مسلمانان را حول محور مبارزه با کفار بدور خود جمع کند و اولین شالوده های خلافت اسلامی را پایه گذاری نماید.

بررسی نامه زرقاوی نشان می دهد که او تلاش هایش را معطوف به مبارزه با چند گروه از دشمنان نموده است. زرقاوی معتقد بود که از میان تمامی دشمنان، اهل تسنن در عراق بیشتر از مبارزه با آمریکایی ها حمایت می کنند لذا در افتادن با آن ها از همه آسانتر است. رویارویی با کردهای عراق هم امری آسان بود چون تعداد کردها نسبت به شیعیان و اهل تسنن اندک بود. گروهی که مبارزه با آن ها بزرگترین مشکل را ایجاد می کرد آن دسته از عراقی های شیعه و یا سنی بودند که با نیروهای اشغالگر همکاری می کردند. این دسته بودند که می توانستند با اطلاعات محلی که داشتند اعضای سازمان او را شناسایی کرده و نیروهایش را قبل از اینکه بتوانند چالش جدی را متوجه آمریکایی ها کنند تحویل ارتش اشغالگر بدهند. در باره این گروه اخیر او نوشت که "این دشمنان که از شیعیان و سنی ها تشکیل می شوند تهدید اصلی هستند که ما با آن مواجه هستیم زیرا آنها از هموطنان خود ما تشکیل می شوند که از همه چیز ما خبر دارند (Ibid.)."

اما علی رغم تمام چالش هایی که از سوی ارتش آمریکا و همدستان عراقی اش متوجه زرقاوی و سازمان او بود، این شیعیان عراق بودند که به عنوان اکثریت مردم کشور هدف اصلی زرقاوی و سازمان تحت امر او محسوب می شدند. زرقاوی به جای اینکه مانند اسامه بن لادن و سلفی های دیگر بخش عمده تلاشش را معطوف مبارزه با دشمن دور (آمریکائی ها) بکند، اعتقاد داشت که برای موفقیت لازم است شیعیان عراق را که آنها را دشمن نزدیک می خواند آماج اصلی حملات خود قرار دهد. زرقاوی شیعیان را "ماری که در کمین نشسته، عقرب بد طینت و موزی، دشمن جاسوس، و زهر

مرگبار می خواند (Riedel, 2008: 100). "استراتژی که زرقاوی برای نابودی شیعیان انتخاب کرد این بود که هدف های سیاسی، مذهبی، و محل های سکونت و تجمع آنها را هدف بمب گذاری قرار دهد. او امیدوار بود که این حملات سبب بروز جنگ شیعه و سنی در عراق شده و به این ترتیب شیعیان به دست سنی ها نابود گردند. او در نامه اش می گوید با توجه به اینکه تعداد سلفی های جهادی اندک است ما نمی توانیم خود مستقیماً با شیعیان در افتیم. لذا لازم است از استراتژی غیر مستقیم استفاده کنیم. او می گفت اگر شیعیان به حملات ما بر علیه آنها با اعمال خشونت شدید بر علیه سنی ها پاسخ دهند آنگاه اهل تسنن سایر بلاد اسلامی هم وارد مبارزه بر علیه شیعیان عراق می گردند و این پیروزی ما را تسهیل و تعجیل می کند. به عبارت دیگر هدف زرقاوی و سازمان او جلب حمایت اهل تسنن عراق نبود بلکه او می خواست از سنی ها به عنوان ابزاری برای نابودی شیعیان بهره ببرد. زرقاوی به دیده تحقیر به عامه اهل سنت نگاه می کرد. او می گفت آنها اکثریت خاموش را تشکیل می دهند که گرچه حاضر هستند ولی از صحنه مبارزه غایبند. او می گفت گرچه اکثر سنی های عراق از آمریکایی ها متنفرند ولی چشم به راه آینده ای روشن هستند، آینده ای سراسر رفاه، زندگی بدون درد و سر، همراه با یک شغل خوب و آسایش (Ibid.). به این ترتیب فایده سنی های عراق در مرگشان بود که او امیدوار بود سبب شود سایر اهل تسنن را وارد معرکه جنگ با شیعیان کند.

در مقام عمل زرقاوی برای اجرای این استراتژی دست به اقدامات مختلفی زد. یکی از این اقدامات حمله به آمریکا و متحدانش در عراق بود. در این راستا در ماه اوت سال ۲۰۰۳ مقر سازمان ملل در بغداد به وسیله یک کامیون حامل مواد منفجره مورد حمله قرار گرفت. بر اثر این عملیات سرگیو ویرا دو میلو، فرستاده مخصوص دبیرکل سازمان ملل به عراق، و عده ای دیگر از پرسنل سازمان ملل کشته شدند. به دنبال این حمله سازمان ملل تمام پرسنل خود را از عراق خارج نمود. این حمله همچنین سبب شد که

اغلب سازمان های کمک رسانی و سازمان های غیر دولتی که آمریکا برای باز سازی عراق به کمک آنها شدیداً نیازمند بود از این کشور بیرون بروند (Riedel, 2008: 99).

از سوی دیگر زرقاوی برای بازداشتن مردم عراق از همکاری با آمریکائی ها اقدام به حمله به پاسگاه های پلیس، مراکز جذب نیرو برای پلیس و ارتش عراق، و سیاستمداران عراقی نمود. به موازات آنها، او سعی نمود که فرآیند بازسازی ویرانی های ناشی از جنگ در عراق را دچار وقفه کند. به این منظور او به نیروهای تحت امرش دستور داد تا به مقاطعه کارانی که برای آمریکائی ها کار می کردند و اعضای سازمان های بشر دوستانه که در عراق فعالیت می کردند حمله کنند (Kirdar, 2011: 4).

از طرف دیگر او شیعیان را آماج حملات سازمان خود قرار داد تا از این طریق آتش جنگ بین شیعه و سنی را در عراق بر افروزد. در این راستا او دستور حمله به شخصیت های سرشناس سیاسی شیعه را صادر کرد. یکی از مهمترین این افراد آیت اله سید محمد باقر حکیم رئیس مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق بود. در تابستان سال ۲۰۰۳ در یک عملیات انتحاری پدر همسر دوم زرقاوی یک خودر و بمب گذاری شده را در کنار مرقد حضرت علی منفجر کرد که باعث شهادت آیت اله حکیم و بسیاری دیگر از حاضرین در محل شد. بعد از آن در ماه مارس سال ۲۰۰۴ بارگاه ائمه اطهار در نجف و کاظمین مورد حمله قرار گرفت و در ماه دسامبر همان سال حملاتی بر علیه مرقد ائمه در نجف و کربلا انجام شد. به همین نحو در ماه فوریه ۲۰۰۶ و ماه می ۲۰۰۷ به حرمین عسکرین در سامرا حمله شد که خسارات بسیار سنگینی به جا گذاشت (Riedel, 2008: 100).

حملات گسترده زرقاوی بر علیه شیعیان با انتقاد بن لادن و معاون او ایمان الظواهری روبرو شد. آنها نگران بودند که کشتار نسنجیده و کورکورانه مسلمانان غیر نظامی باعث کاهش محبوبیت القاعده در سراسر خاورمیانه گردد. در ژوئیه سال ۲۰۰۵ آنها این استراتژی زرقاوی را مورد انتقاد قرار دادند و از او خواستند که از حمله به

مراکز فرهنگی و مذهبی شیعیان خودداری کند. زرقاوی به این انتقادات توجهی نکرد و این امر باعث پاشیدن بذر تنش و رقابت بین القاعده و شاخه آن در عراق گردید. به این ترتیب، روابط بین این دو بخش از سازمان رو به وخامت گذاشت (ISIS, 2014: 23).

زرقاوی همچنین سنت خبیثه بریدن سر اسراء و گروگان های دشمن را پایه گذاری کرد تا از این راه ترس و وحشت را در جان دشمنان خود انداخته و پیروزی سازمانش را تسهیل کند. اعضای سازمان او سر مقاطعه کاران آمریکایی را که به اسارت گرفته شده بودند می بریدند. خود وی سر رئیس بخش اطلاعات مجلس اعلا را از تن جدا کرد تا به گفته خودش "ورود او به جهنم را تسهیل کند (Riedel, 2008: 100)".

تطور سازمان بعد از زرقاوی: جدایی از القاعده

تلاش های آمریکا و دولت عراق برای پایان دادن به قتل و کشتار زرقاوی و یارانش بالاخره در سال ۲۰۰۶ به ثمر رسید. در ژوئن این سال مخفیگاه زرقاوی در خانه ای در شهر بعقوبه واقع در شمال شرق بغداد کشف شد. با بمباران هوایی این محل توسط جنگنده های آمریکایی زرقاوی به هلاکت رسید. پس از این واقعه ابو همزه المهاجر رهبری سازمان القاعده در عراق را به عهده گرفت. مهاجر از اعضای مصری سازمان القاعده بود و از نزدیکان زرقاوی محسوب می شد. او در سال ۱۹۸۲ در مصر به عضویت یک سازمان جهادی در آمد که رهبری آن را ظواهری به عهده داشت. او به واسطه عضویتش در این سازمان به وسیله دولت مصر به طور غیابی محاکمه و به مرگ محکوم شد. او در سال ۲۰۰۱ الی ۲۰۰۲ هنگامی که در حال گذراندن دوره آموزش نظامی در افغانستان بود با زرقاوی آشنا شده بود (ISIS, 2014: 25).

مهاجر ابتداء با بن لادن بیعت کرد ولی پس از گذشتن تنها چهار ماه سازمان خود را از القاعده جدا کرد و دست بیعت به ابو عمر البغدادی (نام واقعی حمید داوود محمد خلیل الظاوی) رئیس سازمان دولت اسلامی عراق داد و گفت که از این پس تمام

نیروهای سازمان خود را تحت امر او قرار خواهد داد. در سازمان جدید مهاجر سمت وزیر دفاع را به عهده گرفت (Al-Ubaydi, 2014: 16).

دولت اسلامی عراق چتری بود که شبکه ای از سازمان های معارض سنی مخالف دولت عراق را در بر می گرفت. علی الظاهر علت تشکیل دولت اسلامی عراق ضربه ای بود که القاعده در عراق با مرگ زرقاوی متحمل شده بود. برای تقویت خود، القاعده در عراق با سازمان های معارض دیگر که ایدئولوژی مشابهی داشتند متحد شد. اما در این ائتلاف القاعده در عراق جزء غالب را تشکیل می داد. هشت سازمان جهادی دیگر در این ائتلاف شرکت کردند من جمله مجلس شورای مجاهدین، جیش الفاتحین، جند الشباب، کتائب انصار التوحید و السنه (ISIS, 2014: 26).

تشکیل دولت اسلامی عراق پیامدهای بسیار مهمی برای رابطه این سازمان با القاعده تحت رهبری بن لادن داشت. دولت اسلامی فعالیت های خود را محدود به مسائل نظامی نکرد بلکه در ماه آوریل سال ۲۰۰۷ اعلام کرد که یک هیئت دولت متشکل از ده وزارتخانه تشکیل داده است. از میان آنها می شود به وزارتخانه های بهداشت، نفت، کشاورزی، و شیلات اشاره کرد. به عبارت دیگر، دولت اسلامی وارد مقوله حکومت کردن شد (Lahoud, 2014, 16). اعلام تشکیل دولت با حمایت سازمان القاعده همراه نبود. رهبران این سازمان یعنی بن لادن و معاون وی ایمان الظواهری به شدت از ابو عمر البغدادی و ابو همزه المهاجر انتقاد کردند. بر طبق بیانیه ای که در ماه می سال ۲۰۱۴ صادر شد، ظواهری اعلام کرد که تشکیل دولت بدون مشاوره با وی و بن لادن صورت گرفته است. در نامه ای که این دو بعدا برای رهبران دولت اسلامی در عراق نوشتند و نسخه ای از آن در منزل بن لادن در پاکستان به دست نیروهای آمریکایی افتاد، آنها این اقدام را جزو "اشتباهات سیاسی" ابو عمر بر شمرده و با عناوینی نظیر "تندرو"، "مشمئز کننده"، و "بی خرد" به وی و ابو همزه اشاره می کنند (Ibid.: 17).

در آوریل سال ۲۰۱۰، نیروهای آمریکایی و عراقی در عملیاتی مشترک موفق شدند ابو عمر و ابو همزه هر دو را با حمله به محل اقامت آنها در حوالی شهر تکریت از میان ببرند. با این کار رهبری دولت اسلامی عراق به دست ابوبکر البغدادی افتاد که تا کنون این سمت را به عهده دارد. اما با مرگ این دو تن چالشی که آنها با اعلام دولت برای القاعده بوجود آوردند خاتمه نیافت. این امر یک پیامد مهم به همراه داشت که مربوط می شود به مفهوم اعلام "دولت اسلامی". این امر از نظر سازمان القاعده مستلزم حصول بعضی شرایط است. یکی از این شرایط فراهم کردن امنیت برای مردمی است که در قلمرو دولت زندگی می کنند. دیگر اینکه دولت باید حکمرانی شایسته ای فراهم بکند کاری که در آن مقطع به سختی برای رهبران دولت اسلامی عراق فراهم بود زیرا در آن برهه عراق تحت اشغال ارتش آمریکا قرار داشت. به همین دلایل وقتی رهبران سازمان القاعده در شبه جزیره عربی مستقر در یمن خواستند اعلام تشکیل دولت اسلامی کنند بن لادن این حرکت آنها را مورد تمسخر قرار داد و به سازمان الشباب در سومالی هم توصیه نمود که از انجام این کار خودداری ورزند (Ibid: 15).

ابوبکر البغدادی (نام واقعی ابراهیم بن عواد بن ابراهیم بن علی بن محمد البدری) در سال ۱۹۷۱ در شهر سامرا در عراق چشم به دنیا گشود و در بغداد به تحصیل پرداخت. بر اساس بیوگرافی که ترکی البن علی از او نوشته است، بغدادی دکترای خود را در رشته فقه اسلامی از دانشگاه اسلامی بغداد گرفت و سپس به عنوان واعظ در مساجد مختلف بغداد کار کرد. او در سال ۲۰۰۶ به عنوان قاضی و عضو شورای شریعت به آن سازمان پیوست. او قبلاً در سال ۲۰۰۴ به اسارت نیروهای آمریکایی در آمده و نزدیک یک سال در زندان به سر برده بود (Bunzel, 2015: 23).

تحت رهبری بغدادی دولت اسلامی عراق توانست به حیات زیر زمینی خود ادامه دهد بدون اینکه تهدید جدی متوجه دولت عراق نماید. دوران تصدی البغدادی همزمان شد با شروع ناآرامی های در سوریه در سال ۲۰۱۱. به این ترتیب او از این فرصت

استفاده کرد تا وارد عرصه مبارزه در سوریه گردد. تعمیم فعالیت ها به سوریه سبب می شد که سرنوشت سازمان تنها به آنچه در عراق می گذرد وابسته نگردد یعنی اگر سازمان در عراق با ناکامی روبرو میشد می توانست با فعالیت در سوریه به حیات سیاسی و نظامی خود ادامه دهد. از طرف دیگر مبارزه در سوریه به سازمان اجازه می داد تا از کمک های خارجی دولت های مخالف رژیم بشار اسد نظیر عربستان، کویت، قطر، ترکیه، و سایر دول مخالف دمشق هم بهره مند گردد. به موازات اینها حضور در سوریه به سازمان کمک می کرد تا نیروهای سوری و غیر سوری را که علاقه مند به مبارزه با دولت اسد بودند را جذب نماید و به این ترتیب پایه های دولت اسلامی عراق را تحکیم بخشد. در کنار اینها، ورود به عرصه سوریه به بغدادی کمک می کرد تا به اهداف ایدئولوژیک سازمان یعنی از بین بردن مرزهای استعمار ساخته میان کشورهای اسلامی پایان دهد و یک گام مهم به سوی ادغام مبارزه در کشورهای مختلف اسلامی برداشته و به هدف غائی خود مبنی بر تشکیل خلافت واحد اسلامی در عرصه گیتی نزدیک گردد.

برای تحقق این اهداف، بغدادی گروهی از مبارزان خود به فرماندهی ابو محمد الجولانی را برای تشکیل شاخه سوری دولت اسلامی به این کشور اعزام کرد. جولانی توانست ظرف مدت نسبتاً کوتاهی سازمانی به نام جبهه النصره را در سوریه تشکیل دهد (Holmquist, 2015: 17). حیطة جغرافیایی فعالیت این سازمان تازه تاسیس یافته استان های شرقی سوریه در جوار مرز عراق بود. از این راه جولانی تلاش کرد تا قلمرو فعالیت سازمان در دو کشور سوریه و عراق را بهم پیوند دهد. این امر ارتباط و تعامل میان نیروهای سازمان در دو کشور را بسیار تسهیل می کرد و مبارزه بر علیه دو رژیم را به یک مبارزه واحد بر علیه حکومت هایی که به زعم سازمان هر دو طاغوتی بودند تبدیل می نمود.

در ۹ آوریل ۲۰۱۳، طی یک پیام شفاهی بغدادی اعلام کرد که سازمان دامنه مبارزات خود را به منطقه شام گسترش داده است. او آشکار ساخت که جبهه النصره در واقع ضمیمه و دنباله ای از دولت اسلامی عراق است. امیر آن سازمان یعنی جولانی هم یکی از رزمندگان سازمان است که برای ماموریتی سری به سوریه فرستاده شده بود. او اعلام کرد که از این پس اسامی "دولت اسلامی عراق" و "جبهه النصره" فاقد اعتبار است و اینکه نام جدید سازمان "دولت اسلامی عراق و شام" (داعش) است (Bunzel, 2015, 25).

این پیام بغدادی برای جولانی خوش آیند نبود. اوشکایت داشت که در این زمینه با او مشورت نشده است. به همین علت او روز بعد طی یک پیام شفاهی اعلام کرد که او جبهه النصره را منحل نخواهد کرد. وی از این فرصت استفاده کرد تا بار دیگر بر بیعت خود با ایمان الظواهری رئیس سازمان القاعده تاکید کند و جبهه النصره را وابسته به القاعده معرفی کند. او در ضمن گفت که ظواهری و نه بغدادی را رهبر خودمیداند (Ibid).

علی رغم اعتراضات جولانی، دولت اسلامی عراق و شام بهر حال وارد عرصه سوریه شد. با ورود داعش به سوریه هزاران نفر از نیروهای جبهه النصره از آن جدا شده و به این سازمان پیوستند. ولی هیچ کدام از این دو سازمان راضی به پذیرش وجود دیگری در سوریه نبود. برای حل اختلافات، در اواخر ماه می همان سال، ظواهری وارد معرکه شد تا این نزاع را به صورت قاطع حل و فصل کند. در یک دستور العمل کتبی او ورود داعش به سوریه را لغو کرد و به هر دو گروه دستور داد که موجودیت های مستقل خود را حفظ کرده و وارده حوزه جغرافیایی فعالیت یکدیگر نشوند. اما بغدادی شخص ظواهری را به عنوان رئیس خود قبول نداشت. او که به خود لقب امیر المومنین داده بود خود را بالاتر از آن میدانست که دیگران به او دستور بدهند (Ibid).

در اواسط ماه ژوئن، بغدادی اعلام کرد که تا خون در رگ ما جریان دارد داعش به فعالیت خود در عراق و سوریه ادامه خواهد داد. او اظهار کرد که دستور العمل ظواهری به علت ایرادات حقوقی بیشمار آن مردود است. او همچنین گفت که تصمیم سازمان مبنی بر رد دستور العمل ظواهری پس از مشورت با کمیته شرعی و شورای مشورتی داعش اتخاذ شده است (Ibid., 26).

در ماه ژوئن سال ۲۰۱۴ نیروهای داعش به سمت غرب عراق سرازیر شدند و در عملیاتی برق آسا بخش وسیعی از مناطق سنی نشین این کشور از جمله شهر موصل را به تصرف خود در آوردند. در ۲۹ همان ماه بغدادی اعلام تشکیل خلافت کرد. با توجه به اعلام تشکیل خلافت اسلامی، بغدادی اظهار داشت که پسوندهای عراق و سوریه را از نام سازمان حذف کرده است زیرا قلمرو خلافت همه دنیاست و نه فقط عراق و سوریه. به این ترتیب نام سازمان به دولت اسلامی تغییر یافت.

دو امر موجب اعلام تشکیل خلافت در این ایام شد. یکی پیروزی های حیرت آور سازمان که منجر به تسلط آن بر مناطق سنی نشین غرب عراق گردید و دیگری حلول ماه مبارک رمضان. در سخنرانی که ابومحمد العدنانی سخنگوی سازمان انجام داد وی گفت که اعلام خلافت حاصل دست یافتن به تمام عناصر لازم برای نیل به این امر است و اینکه بغدادی که به نام خلیفه ابراهیم خوانده می شد تمام ویژه گیهای لازم برای احراز این سمت را داراست. مهمتر آن که دولت اسلامی از تمام مسلمانان خواست که با توجه به تشکیل خلافت با بغدادی بیعت کنند. در این زمینه بغدادی گفت که "ما به اطلاع همه مسلمانان می رسانیم که با اعلام خلافت بر همه مسلمانان واجب شده است که دست بیعت به خلیفه ابراهیم داده و از او حمایت کنند." او اضافه کرد که از همه سازمان های جهادی موجود در سطح دنیا انتظار میرود که سلطه دولت اسلامی بر خود را به رسمیت بشناسند. سپس او نتیجه گیری کرد که "مشروعیت تمام

امارات، گروه‌ها، دولت‌ها، و سازمان‌ها که مشمول قدرت او (بغدادی) می‌شوند و ارتش دولت اسلامی به آنجا خواهد آمد باطل است (Holmquist, 2014: 21).

بررسی دلایل رشد و گسترش دولت اسلامی در عراق و سوریه

عوامل گوناگون و پیچیده‌ای دست به دست هم داده‌اند تا اسباب موفقیت سازمان در عراق و سوریه را فراهم آورند. برخی از این عوامل مربوط به سیاست‌های خود سازمان در این دو کشور است. دسته‌ای دیگر مربوط به اوضاع داخلی عراق و سوریه و دولت‌های حاکم بر این کشورهاست. گروهی دیگر ریشه در منطقه و نقش دولت‌هایی نظیر عربستان، قطر، و ترکیه دارند. بعضی دیگر بر خاسته از عوامل بین‌المللی و نقش قدرت‌های بزرگ است. اما به علت گسترده‌گی بحث این مقاله فقط به بررسی عوامل درون‌سازمانی که باعث رشد و گسترش دولت اسلامی شده‌اند می‌پردازد.

توانمندی‌های دولت اسلامی

بدون شک عوامل شکوفایی هر سازمانی را باید در درجه اول در درون آن جستجو کرد. اگر سیاست‌های اتخاذ شده از سوی یک سازمان اشتباه باشند، هر چقدر هم شرایط خارجی برای رشد آن مساعد باشند آن سازمان نمی‌تواند در دراز مدت با موفقیت روبرو شده و پایدار بماند. دولت اسلامی هم از این قاعده کلی مستثنی نیست. لذا باید بررسی کرد که کدام سیاست‌های این سازمان زمینه‌ساز رشد و بالندگی آن شده است.

جذاییت پیام

از زمان تشکیل دستگاه تبلیغاتی دولت اسلامی پیامی جذاب و گیرا را بین اهل تسنن که بین ۸۵ تا ۹۰ درصد مسلمانان جهان را تشکیل می‌دهند منتشر کرده است. این پیام شکل‌گیری مجدد خلافت اسلامی است که به زعم سران دولت اسلامی منجر به بازگشت عصر طلایی خلفای راشدین می‌گردد. در اولین پیام خود به عنوان خلیفه جدید به مسلمانان بغدادی مدعی شد که می‌خواهد حیثیت، شوکت، و حقوق حقه آنها

را به آنان مسترد داشته و بار دیگر مسلمانان را رهبر و پیشرو عالم نماید. این پیام در برهه ای به گوش اهل تسنن می رسد که سراسر خاورمیانه را جنگ، آشوب، و خونریزی در بر گرفته است. عراق و سوریه در آتش جنگ داخلی می سوزند، لیبی بر لب پرتگاه جنگ قبیله ای قرار گرفته است، یمن قربانی درگیری شیعه و سنی، رویا رویی قبیله ای، و تجاوز نظامی خارجی گشته است، مصر گرفتار نا آرامی های داخلیست و نظامیان بر آن حاکمند، خاطره نبرد خونین غزه هنوز در ذهن مردم فلسطین و مسلمانان منطقه زنده است. بنا براین از نظر اهل سنت تولد مجدد خلافت به رهبری بغدادی به معنای شکل گیری یک گروه مسلح دیگر نیست بلکه منادی ظهور یک موجودیت نوین سیاسی امید بخش از خاکستر سال ها جنگ و ویرانی است (Napoleoni, 2014: 1).

هرچقدر که پیام یک سازمان ممکن است برای مخاطبان آن گیرا و امید بخش باشد تا زمانی که عملکرد و دست آوردهای آن مثبت، سازنده، و نوید بخش نباشد جذابیت پیام دوام و پایداری نداشته و گذرا خواهد بود. لذا دولت اسلامی تلاش زیادی را مبذول کرده تا به ظاهر هم که شده است نشان دهد که پیام های سازمان تنها شعار نیست بلکه سازمان در عمل هم به گفته های خود پایبند است و این توانایی را دارد که آنچه را به اهل تسنن وعده می دهد عملی سازد. بخش ذیل فعالیت های دولت اسلامی را در ابعاد اقتصادی، نظامی، و تبلیغاتی مورد بررسی قرار می دهد.

بعد اقتصادی

مسئولین دولت اسلامی به خوبی به این واقعیت پی برده اند که برای رسیدن به اهداف و تحکیم پایه های قدرتش تنها ایجاد یک ماشین نظامی قدرتمند کافی نیست بلکه تثبیت شالوده حکومت آنها مستلزم فراهم ساختن آسایش و رفاه مردمی است که در قلمرو دولت اسلامی زندگی می کنند. تنها در سایه کسب رضایت مردم است که

آنها می توانند از حمایت توده ها بهره مند شده و تداوم حیات خلافت را تضمین نمایند.

در این راستا، دولت اسلامی در قلمرو خودش در سوریه و عراق خدمات دولتی را به دو مقوله گسترده تقسیم کرده است: ۱) مدیریت و ۲) خدمات اسلامی. مقوله اول شامل کمک رسانی اسلامی، نهادهای دینی، آموزش و پرورش ابتدائی، حفظ قانون، دادگاه ها، جذب نیرو، و روابط قبایلی است. اداره خدمات اسلامی در بر گیرنده کمک های بشردوستانه، نانوائی ها، و آب و برق و امثال ذالک است (Caris and Reynolds, 2014: 14).

اولین اقدامی که از سوی دولت اسلامی در مناطقی که تازه تصرف کرده است صورت می پذیرد تبلیغ و آموزش است. به این اقدامات اصطلاحاً دعوت می گویند. هدف جلسات دعوت آشنا ساختن مردم با اسلام سلفی و جهادی است که ایدئولوژی سازمان را تشکیل می دهد. برای این منظور معمولاً جلساتی در مساجد و یا در زیر چادرهایی که سازمان در بعضی نقاط شهر نصب کرده تشکیل می شود. در این نشست ها ابتداء قرآن تلاوت می شود و سپس سخنرانان به وعظ و خطابه می پردازند. گاهی هم سازمان به پخش بروشور یا برگزاری جلسات مطالعاتی کوچک اکتفا می کند. بعضی مواقع هم دعوت صرفاً به شکل برگزاری مسابقات قرآنی صورت می گیرد. در هر صورت، اساس بر آن است که فعالیت ها به شکلی انجام شود که ایجاد حساسیت و مخالفت در میان مردم نکند (Ibid., 15).

بخش دیگری از این فعالیت ها شامل تشکیل و مدیریت نهاد های دینی است. بر اساس گزارشات سازمان، نهاد های دینی رایج ترین نهادها در قلمرو دولت اسلامی می باشند. در ژوئیه سال ۲۰۱۴ تنها در آن بخش از استان حلب در سوریه که تحت تسلط دولت اسلامی بود ۲۲ نهاد دینی فعالیت می کردند. این نهاد های دینی در عمل مانند

مراکز آموزش بزرگسالان است که در آن مردم با موضوعات دینی آشنا می شوند (Ibid.).

رکن سوم مدیریت نهاد "الحسب" یا پلیس دینی است که وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را به عهده دارد. این نهاد از حیث کارکرد بسیار شبیه مطوا های عربستان سعودی است. آنها در خیابان به مردم یاد آوری می کنند که در نماز جمعه شرکت کنند و محل کسب و کار خود را در ساعات نماز تعطیل کنند. آنها همچنین وظیفه دارند تا مجسمه ها، امامزاده ها، و یا مراقد بزرگان دین را به اسم مبارزه با شرک از بین ببرند. مبارزه با مفسدات اجتماعی نیز بر عهده این نهاد است. (March and Revkin, 2015).

بخش دیگری از حیطه کاری بخش مدیریت آموزش و پرورش است که مهمترین وسیله برای اثر گذاشتن بر شیوه تفکر کودکان است. برنامه درسی دولت اسلامی در سطح ابتدائی معطوف به علوم اسلامی مانند تعلیم قرآن است و نه فیزیک و ریاضیات. هیچ نشانه ای دال بر تدریس علوم غیر دینی و یا مهارت های فنی دیده نشده است و آموزش و پرورش از سطح ابتدائی فرا تر نمی رود (Caris and Reynolds, 2014: 17). در نظام آموزشی دولت اسلامی تدریس دروس هنر، موسیقی، جامعه شناسی، تاریخ، ورزش، فلسفه، و روانشناسی ممنوع است. علاوه بر این معلمین حق ندارند از واژه هایی مانند ملت-کشور، عراق، سوریه، وطن، دموکراسی، و انتخابات استفاده کنند. نواختن سرود ملی هم غدغن است. در عوض، باید به دانش آموزان آموخت که از کلمات دولت اسلامی، و کشور اسلامی استفاده کنند. در تدریس علوم طبیعی هم نباید نامی از داروین و داروینیسیم برده شود. در ریاضیات هم نباید نحوه محاسبه نرخ بهره به دانش آموزان یاد داده شود (Neriah, 2014).

یکی دیگر از اقداماتی که دولت اسلامی در قالب بخش مدیریت خود انجام داده است ایجاد یک نظام قضائی اسلامی است. قوه قضائیه دارای سه شعبه است. یک شعبه

که "مظالم" خوانده می شود به شکایات مردم رسیدگی می کند من جمله شکایت بر علیه مامورین دولت اسلامی. یک شعبه دیگر که دادگاه های اسلامی خوانده می شوند با نقض قوانین وضع شده از سوی دولت اسلامی و مسائل دولتی سرو کار دارد. بخش دیگر که "دیوان الحسبه" نامیده می شود به جرائم و موارد احاله شده از طرف "الحسب" رسیده گی می کند (March and Revkin, 2015).

در کنار اینها، دولت اسلامی یک قوای انتظامی (پلیس) تشکیل داده است. این نیرو چند وظیفه را به عهده دارد. وظیفه اصلی آن عمل به عنوان بازوی اجرایی دادگاه است. علاوه بر این، پلیس موظف به حفظ امنیت داخلی از طریق حضور در شهرها و انجام گشت در حوزه ماموریت خود است. این نیرو همچنین وظیفه پلیس راهنمائی و رانندگی را نیز بر عهده دارد. لذا ایستگاه های ایست و بازرسی دارد و برای نقض مقررات جریمه صادر می کند (Ibid.).

اداره جذب یکی دیگر از بازوهای اجرایی بخش مدیریت دولت اسلامی است. وظیفه این نهاد جذب نیرو برای قوای مسلح دولت اسلامی است. داوطلبان بعد از مراجعه به ادارت جذب، تحت آموزش نظامی و عقیدتی قرار می گیرند. سپس آنها را به میدان جنگ می فرستند. بعضی از نیروها بعد از گذراندن آموزش های مقدماتی برای طی دوره های تخصصی تر به آموزشگاه های دیگر اعزام می شوند (Caris and Reynolds, 2014: 20).

اداره رباط عمومی و امور قبیله ای یکی دیگر از بازوهای بخش مدیریت دولت اسلامی است. وظیفه این اداره پاسخ به خواسته های شهروندان، برقراری ارتباط با بزرگان شهر، و کمک به قبایل است. تشکیل این قبیل نهادها نشان دهند آن است که دولت اسلامی قصد ایجاد یک دولت تمام عیار و پایدار را در قلمرو خود دارد (Zelin, 2014).

در بخش دوم یعنی خدمات اسلامی هدف سازمان تامین نیازهای مردمی است که تحت نظام خلافت زندگی می کنند. در این راستا دولت اسلامی طیف گسترده ای از کمک و پروژه های زیربنایی را در مناطقی که در آنجا حضور پیدا کرده در اختیار مردم گذاشته است. این امر را می توان در استان های لاذقیه، دمشق، دیر الزور، ادلب، حلب، و رقه در نیمه دوم سال ۲۰۱۳ مشاهده کرد.

بعد نظامی

ابوبکر بغدادی توانسته است در دوران تصدی خود سپاه دولت اسلامی را که در سال ۲۰۱۰ از نظر نظامی به حضيض توان رزمی خود رسیده بود و از نظر نیروهای آمریکایی مستقر در عراق خنثی شده انگاشته می شد به یک سازمان قدرتمند تبدیل کند که می تواند در آن واحد با ارتش عراق، ارتش سوریه، نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا، و پیشمرگه های کرد بجنگد و شکست های سنگینی را بر آنها تحمیل نماید. در همین رابطه برت مک گورک، معاون وزارت خارجه آمریکا در امور خاور نزدیک، می گوید دولت اسلامی از یک سازمان تروریستی در حال فروپاشی به یک ارتش تمام عیار تبدیل شده است (شهادت در مقابل کمیته امور خارجه مجلس نمایندگان در ۲۳ ژوئیه ۲۰۱۴). بحث مفصل در مورد تمامی علل این تحول از حوصله این مقاله خارج است ولی نگارنده تلاش می کند به اختصار دلایل اصلی این پدیده را تجزیه و تحلیل کند.

پیشروی های نظامی دولت اسلامی از ژوئیه سال ۲۰۱۴ را تنها می توان در فعالیت های سیاسی و نظامی سازمان از زمان آغاز رهبری بغدادی درک نمود. به عبارت دیگر، دولت اسلامی به یکباره در سال ۲۰۱۴ به یک قوای نظامی موثر تبدیل نشد بلکه سازمان در طی چهار الی پنج سال گذشته در حال نیرومند شدن و آماده کردن جبهه های مختلف برای عملیات نظامی بوده است. در این زمینه مک گورک می گوید برنامه ریزی سازمان پیچیده، صبورانه، و هدف دار بوده است (همان).

قلع قمع کردن نیروهای ارتش عراق در موصل یکی از مصادیق همین امر و حاصل سال‌ها زمینه‌سازی بود. در ابتدای دوران تصدی بغدادی در سال ۲۰۱۰ وی یک برنامه چند ساله برای ترورکردن افرادی را آغاز نمود که طرفدار دولت مرکزی عراق بودند که نهایتاً منجر به شکل‌گیری پروژه ای به اسم "درو کردن سربازان" شد. بر اساس این پروژه که از ۲۹ ژوئیه ۲۰۱۳ آغاز و تا ژوئن ۲۰۱۴ ادامه پیدا کرد سازمان اقدام به ترور پرسنل ارتش و پلیس دولت عراق نمود. در این چارچوب نیروهای امنیتی عراق در ایستگاه‌های ایست و بازرسی مورد تهاجم قرار می‌گرفتند و یا در مسیر رفت و آمد افسران ارشد و مهره‌های کلیدی نظامی در جاده‌ها بمب کار گذاشته میشد. در کنار اینها، نیروهای دولت اسلامی به خانه‌های آنها هم حمله کرده و آنها را تخریب می‌نمودند (Lewis, 2013: 2-4).

گرچه این طرح در کل عراق به مورد اجراء گذاشته شد ولی محل تمرکز اصلی آن استان‌های موصل و نینوا بود و شامل تلاش‌های گسترده برای قطع کردن جاده موصل به بغداد نیز بود (Ibid., 8). تا قبل از پایان ژوئیه سال ۲۰۱۴ وضع به شکلی در آمده بود که در طی روز وضع موصل علی‌الظاهر عادی به نظر می‌رسید ولی شب‌ها شهر به کنترل دولت اسلامی در می‌آمد (مک‌گورک ۲۳ ژوئیه ۲۰۱۴). به این ترتیب موقعی که نیروهای دولت اسلامی در ۶ ژوئیه ۲۰۱۴ به موصل حمله کردند نیروهای عراق شکننده شده و ظرف سه روز درگیری‌های فزاینده به آسانی متلاشی شدند (همان).

به موازات این اقدامات، بغدادی از زمان آغاز رهبری خود شروع به بازسازی و گسترش نیروهای نظامی سازمان نمود. عقب‌نشینی نیروهای آمریکایی از عراق و شروع ناآرامی‌های در سوریه در اواخر سال ۲۰۱۱ پایگاه‌های مطمئنی را در عراق و سوریه برای سازمان فراهم کرد و راه را برای پیوستن بمب‌گذاران انتحاری به سازمان هموارتر نمود. همانطور که تحلیل‌گران اشاره کرده‌اند، از سال ۲۰۱۲ سازمان با تکیه بر تجربه جنگ شهری و نبرد متحرک در سوریه و نیز تجربیات رزمی پیشین نیروهای

جهادی که از بالکان و چین به آن پیوستند کادر قوی از نیروهای سبک پیاده آماده کرده بود (Ollivant and Fishman, 2014). در اردوگاه های آموزشی در سوریه و از نیمه اول سال ۲۰۱۳ در عراق این درسهای نظامی نهادینه شده و پالایش یافته اند (Scales and Ollivant, 2014; Pollack, 2014).

به گفته مک گورک، از اوایل سال ۲۰۱۳ سازمان نیروهای آموزش دیده خود را از سوریه به عراق منتقل کرد و کمپ های تازه ای در داخل خاک عراق برپا کرد و آنها را به توپ های ضد هوایی مجهز نمود تا به نحو موثری مانع از حمله هلیکوپترهای عراقی به آنها شوند (مک گورک ۲۳ ژوئیه ۲۰۱۴). در ۶ ژوئن ۲۰۱۴ سازمان بین ۵۰۰ تا ۸۰۰ نفر از نیروهایی که در سوریه داشت را سوار بر صدها وانت به عراق فرستاد (Ali, Lewis, and Kagan, 2014). این نیروها به واحدهای سازمان در عراق ملحق شدند و از آن پس تا کنون آتش جنگ را گرم نگاه داشته اند. بر مبنای تخمین گروهی از صاحب نظران، (Sherlock, 2014) تعداد نیروهای مبارزی که در عراق مستقیماً تحت امر سازمان قرار دارند ممکن است به ۱۰۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ نفر هم می رسد. غافلگیری، تحرک، و شوک ویژه گی های اصلی عملیات تهاجمی سازمان در عراق هستند. با اتکاء به این خصایص، نیروهای سازمان اغلب میتوانند در مقابل نیروهای دولت فدرال عراق و یا پیشمرگه های دولت اقلیم کردستان به غافلگیری تاکتیکی دست پیدا کنند (Fahim, 2014). این امر از طریق جا بجایی سریع نیروها با استفاده از شبکه جاده ای با کیفیت بالا و فشرده عراق امکان پذیر می گردد که به نیروهای سازمان اجازه می دهد تا شبانه و یا در سحرگاه دست به عملیات نظامی بزنند (Dicharry, 2014). کوچک و جمع و جور بودن نسبی عراق و وجود جاده های خوب که نقل مکان از یک سوی کشور به سوی دیگر را در طی یک روز امکان پذیر می سازد، به یک نیروی نظامی تهاجمی اجازه می دهد تا به سرعت توان رزمی خود برای حمله را در یک نقطه متمرکز سازد. گرچه تعداد نظامیان دولت اسلامی از ارتش عراق و سوریه

کمتر است، ولی تحرک و نیرنگ به نیروهای دولت اسلامی اجازه می دهد تا در منطقه ای که میخواهند در آن عملیات کنند از نظر کمی بر دشمن برتری پیدا کنند. با این شیوه یگان های تک ور آنها که استعداد یک گروهان و یا یک دسته را دارند توانسته اند نیروهای ارتش عراق و پیشمرگه ها را پی در پی شکست داده و وادار به عقب نشینی از مواضع خود نمایند. یکی از عناصر رایج در حملات دولت اسلامی استفاده از عملیات کاوشی و تظاهر به عملیات است که اغلب با این نیت انجام می شود که توان حریف را بسنجند، از مواضع مستحکم او اجتناب کنند، و نیروهایش را از منطقه ای که هدف عملیات است دور کنند (Fahim, 2014). ستون های نظامی دولت اسلامی از تحرک سریع لازم برای استفاده از پراکندگی نیروهای دشمن بر خوردار هستند. چون نیروهای ارتش عراق و پیشمرگه ها فاقد مهارت تحلیل اطلاعات نظامی، توانایی مراقبت از فضاهای گسترده، و دوربین های دید در شب هستند نمی توانند تمرکز نیروهای دولت اسلامی را به موقع تشخیص دهند و تنها زمانی متوجه این امر می شوند که کار از کار گذشته است.

از زمانیکه نیروهای دولت اسلامی توانستند تعداد زیادی از خودروهای زرهی ارتش عراق را در منطقه موصل به غنیمت بگیرند، آنها دو تا پنج دستگاه از این خودروها را به هر ستون های نظامی اشان اضافه کرده اند تا به نیروهای حریف شوک وارد کرده و در بعضی موارد حس وحشت از تانک را در آنها ایجاد کنند. در موارد اندکی نیروهای دولت اسلامی از آتش توپخانه برای حمایت از نیروهای پیاده اشان استفاده می کنند. در این قبیل موارد معمولاً از یک قبضه توپ، یک موشک انداز مینی کاتیوشا، و یا خمپاره انداز بهره می گیرند که هیچ کدامشان خیلی موثر نیستند. البته مواردی هم وجود داشته که از آتش سنگین توپخانه استفاده شده (Al-Dulaimy and Allam, 2014).

معمولا به جای استفاده از خمپاره انداز، توپخانه، و موشک انداز، برای ریختن آتش سنگین بر روی مواضع دشمن، نیروهای دولت اسلامی ترجیح می دهند از ابزار سنتی تر نظیر ماشین های بمب گذاری شده و یا نیروهای انتحاری که به خودشان مواد منفجره بسته اند استفاده کنند (شهادت مایکل نایتز در مقابل کمیته امور خارجه مجلس نمایندگان آمریکا در ۱۲ دسامبر ۲۰۱۳). موقعیکه نیروهای سازمان می خواهند درصاف دشمنان ایجاد وحشت کرده و آنها را دست پاچه نمایند تا مواضعشان را ترک کنند، تقریبا همیشه با خودروهای بمب گذاری شده به مقرهای فرماندهی آنها و یا ایستگاه های ایست و بازرسی اشان حمله میکنند. این حملات نوعا تلفات فراوانی به دشمن وارد می کنند. این قبیل عملیات هجومی از زمانیکه در سال ۲۰۱۰ دولت اسلامی مجدد نضج گرفت ابداع و تمرین شده است (Knights, 2012). از تابستان سال ۲۰۱۱ به بعد این قبیل حملات رایج تر شده است که در آنها از خودروهای بمب گذاری شده برای ایجاد هرج و مرج در محل حمله و از بین بردن موانعی نظیر خاک ریز یا موانع بتونی استفاده می شود. به دنبال از بین رفتن این موانع، نیروهای انتحاری و افراد مسلح وارد مقرهای نظامی شده و اقدام به گروگان گیری می کنند تا عملیات طولانی گردد (همان).

بعضی وقت ها نیروهای نظامی سازمان از خشونت شدید استفاده می کنند تا نظامیان حریف را وحشت زده کنند و غیر نظامیان را از منطقه ای که در آن دارند عملیات می کنند بیرون برانند. مثلا در هنگام حمله به تکریت در ۱۱ ژوئن ۲۰۱۱ آنها ۱۰۰ نفر از نظامیان عراقی را که اسیر کرده بودند قتل عام کردند و این حرکت را رسانه ای نمودند. آنها همچنین در مناطقی که مسیحیان، ایزدی ها، ترکمن های شیعه، و حتی کردهای سنی زندگی می کنند دست به نسل کشی قومی می زنند تا مردم غیر عرب سنی را از محل هایی که تازه به تصرف در آورده اند فراری دهند. آنها ابتداء به این گروه ها اخطار می کنند که محل زندگی خود را ترک کنند. سپس در صورت سرپیچی

ظرف دو یا سه هفته به آنها حمله می کنند و بطور گسترده دست به کشتار می زنند و گروهی را هم به گروگان می گیرند. بعد برای اطمینان از عدم بازگشت آنها آب و برق را به روی روستاهای آنها می بندند (Knights, 2014: 44 and Berger, 2014). از نظر تامین تسلیحات و مهمات دولت اسلامی عمدتاً وابسته به غنائم فراوانی است که در طی جنگ با ارتشهای سوریه و عراق نصیبش می شود. این تسلیحات عبارتند از سلاح های سبک، انواع خمپاره انداز و موشک انداز با کالیبر های مختلف، موشک های هدایت شونده ضد تانک، و موشک های دوش پرتاب ضد هوایی. بعلاوه، سازمان دارای تسلیحات سنگین و تکنولوژی های پیشرفته ای است که معمولاً آنها را می شود در ارتشهای منطقه پیدا نمود مانند توپخانه، تانک، خودروهای زرهی، و پهپادها. در ضمن سازمان چند مرتبه در سوریه و عراق از گاز خردل استفاده نموده و احتمال دارد که سلاح های شیمیایی دیگری مانند گاز کلر هم داشته باشد. سازمان از گازهای سمی در حمله به کردها در شهر عین العرب (کبانی) در سوریه و بر علیه نیروهای ارتش عراق استفاده کرده است. سازمان همچنین دارای تعدادی موشک اسکاد و هواپیما است. هواپیما ها از فرودگاه هایی که در اختیار سازمان است به پرواز در می آیند (ISIS, 2014: 4).

بعد تبلیغاتی

در طی چند سال گذشته دولت اسلامی در بین گروه های تروریستی و نیروهای شورشی بسیار فعال بوده است. با استفاده از توئیتر گرفته تا یوتیوب سازمان سعی کرده است تا پیام خود را منتشر کند، ترس و وحشت در دل ها بیفکند، و نیرو جذب کند (Vitale and Keagle, 2014: 6). دولت اسلامی هم مانند القاعده به رساناهای گروهی به چشم یکی از ارکان اساسی استراتژی خود نگاه می کند و واضح است که سرمایه گذاری سنگینی در این راستا انجام داده است. موفقیت سازمان در این زمینه را می توان در جذابیت و کششی که سازمان برای هزاران مبارز خارجی دارد، ترس و

وحشتی که در دل دشمنانش انداخته است، و واکنش دولت ها و خبرگزاری ها به تبلیغاتش مشاهده کرد.

موفقیت های سازمان در عرصه تبلیغات حاصل تلاش چند نیروی زبده سازمان که از مهارت های خود در این زمینه استفاده کرده اند نیست بلکه تخصص سازمان در حیطه تبلیغات ناشی از زیر ساخت هایی رسانه ای گسترده ای است که می تواند محصولاتی با کیفیت بالا به زبان های مختلف برای مخاطبین گوناگون بر اساس روایتی که سازمان می خواهد منتقل کند تهیه کنند. علاوه بر تولید محصولات رسانه ای، سازمان این توانائی را هم نشان داده است که می تواند روایات خودش از وقایع را از طریق رسانه های مختلف نظیر اینترنت، برنامه های رادیویی و تلویزیونی، و از طرق سنتی تر مانند روزنامه و مجله به سمع و نظر مخاطبانش برساند.

دستگاه تبلیغاتی سازمان که از آن به نام وزارت رساناها یاد می شود از چند واحد تولید و توزیع برنامه های تبلیغاتی تشکیل شده است: الفرقان، الحیات، الاعتصام، و بنیاد اجند. در ضمن باید توجه داشت که هر کدام از استانهای تشکیل دهنده قلمرو دولت اسلامی دارای اداره رساناهای منطقه ای مخصوص خود است که می تواند برنامه های مورد نظر خود را تهیه و پخش نماید. برای مثال، اداره رساناها در استان نینوا در عراق عکسی را مونتاز کرد که نشان دهنده تاسیس یک اداره پلیس محلی توسط دولت اسلامی است (Varghese, 2014). اما به احتمال زیاد این ادارات استقلال کامل ندارند و باید از قبل موافقت وزارت رساناها را برای نشر بعضی محصولات تبلیغاتی خودشان کسب کنند. در ضمن یک نوع رسانه دیگری هم هست که خیلی شکل سنتی دارد و سازمان از آن استفاده می کند. در ماه ژوئن سال ۲۰۱۴ سازمان ایستگاه رادیویی البیان را در موصل تاسیس کرد. از زمان تاسیسش، این ایستگاه به پخش برنامه های قرائت قرآن، برنامه های مذهبی، و پخش خبر در مورد عملیات های نظامی دولت

اسلامی پرداخته است. سازمان همچنین چند ایستگاه رادیو و تلویزیون را در عراق و سوریه کنترل می کند (Tomlinson, 2014).

آنچه در مورد کانالهای توزیع محصولات دولت اسلامی اهمیت دارد و لازم به ذکر است این است که سازمان به چند کانال متکی است. با تلاش کشورهای مختلف برای بستن بعضی از این کانال ها وابستگی سازمان به کانال های متعدد افزایش پیدا کرده است. برای مثال، تا همین اواخر هر کدام از استانهای دولت اسلامی در عراق و سوریه صفحه رسانه اجتماعی مستقل خودش را بر روی سایت شبکه اجتماعی "ویکانتکت"^۱ داشت. هر کدام از این صفحات به عنوان یک کانال رسمی برای پخش اخبار، اعلامیه ها و سایر محصولات تبلیغی یک استان خاص بود. موقعیکه دولت های خارجی این سایت ها را بستند، سازمان مجبور شد به کانال های رسانه ای اجتماعی غیر رسمی متوسل بشود تا برنامه های تبلیغاتی خودش را منتشر کند. اما هر از گاهی دولتها حتی این کانال های غیررسمی را هم می بستند و سازمان را مجبور می کردند که گزینه های دیگری پیدا کند. در این اواخر به نظر می رسد که سازمان کانال های رسانه ای اجتماعی رسمی خودش را موقتا کنار گذاشته است و بیشتر تمایل دارد که به کانال ها و عرصه های غیر رسمی تکیه کند (Al-Ubaydi et al., 2014: 50).

گرچه در شبکه های اجتماعی می توان مطالب زیادی پیدا کرد که کاربران آن شبکه ها بر روی اینترنت قرار داده اند، ولی سازمان تلاش کرده است که از این کانال های توزیع آنلاین برای رساندن پیامش به مخاطبین خود استفاده کند. این موضوع بخصوص در مورد مطالبی که به زبان انگلیسی نوشته شده است مصداق دارد. برای مثال، در اوایل ژوئن ۲۰۱۴ سازمان اقدام به تهیه خبرنامه ای با کیفیت خوب به نام *اخبار دولت اسلامی* نمود که بعدها به *گزارش دولت اسلامی* تغییر نام داد. این خبر نامه خواننده را با آخرین عملیات های نظامی دولت اسلامی و ابتکارات آن آشنا می کرد.

^۱ VKontakte (VK)

هر کدام از این نوشتجات تقریبا هشت صفحه بود و شامل تصاویری از عملیات نظامی سازمان، تعداد اسرای سازمان (و بعضا تاریخ اعدام آنها) و سایر فعالیت های دولت اسلامی می شد (Price, Milton, and al-Ubaydi, 2014).

سپس در اوایل ژوئیه ۲۰۱۴ سازمان اقدام به انتشار یک مجله الکترونیکی به نام *دابق* نمود (McCoy, 2014). نوعا هر شماره از مجله دارای چهل صفحه است که شامل مقالات و متن سخنرانی های بیشتری نسبت به محصولات دیگر سازمان است، و ضمنا شامل بعضی مطالبی است که در سایر مطبوعات سازمان هم قبلا به چاپ رسیده است. گرچه *دابق* از حیث کیفیت ارائه مطالب فرق چندانی با نشریات سایر سازمان های تروریستی ندارد، ولی این حقیقت که نوآوری در سبک ارائه مطالب در کمتر از یکماه بعد از چاپ گزارش دولت اسلامی به ثمر رسید نشان دهنده این است که دستگاه اطلاع رسانی سازمان چقدر پیشرفت کرده است.

یکی دیگر از نشانه های قوت بازوی تبلیغاتی سازمان مربوط به انواع گوناگون ویدئو هایی است که سازمان تهیه کرده. گرچه تحلیل مفصل این ویدئوها از حوصله این نوشتار خارج است، اما بررسی ویدئوهای سازمان بیانگر توجه به اصل دقت و مهارت در فعالیت های تبلیغاتی سازمان است که خود را به صورت یکپارچه سازی تصاویر و اخبار جاری و نیز کیفیت خوب فیلم برداری نشان می دهد. دولت اسلامی از سایت یوتیوب و سایر سکوهای ویدئویی برای پخش پیام خودش استفاده می کند. هدف این پیام ها ایجاد رعب و وحشت در میان دشمنان، ارائه توجیهات مذهبی برای اقدامات سازمان، و جذب نیرو است. مدت کوتاهی بعد از اعلام تشکیل خلافت اسلامی در سال ۲۰۱۴، سازمان یک برنامه ویدئویی که بغدادی را در حال وعظ در مسجدی در موصل نشان می داد تهیه کرد تا وی را به مخاطبانش معرفی کند. سازمان همچنین از محصولات ویدئویی برای نشان دادن آنکه چطور با تخریب میله های مرزی و خاکریزهای احداث شده در سرحدات توانسته است عراق و سوریه را بهم متصل کند

برای محکوم کردن معاهده سایکس-پیکو^۱ استفاده کرده است (Vitale and Keagle, 2014: 9).

گذشته از این ها، سازمان کارهای تبلیغاتی زیادی را خارج از اینترنت انجام میدهد مخصوصا موقعیکه مطالب به زبان عربی نوشته شده است. در واقع مطالبی که اخیرا بدست آمده است نشان می دهد که فعالیت های تبلیغاتی زیادی برای کسانی صورت می گیرد که در قلمرو دولت اسلامی زندگی می کنند. سازمان دی وی های حاوی ویدئو تهیه کرده و مطالبی را هم به صورت چاپ شده در قلمرو اش پخش می کند. این دسته از تبلیغات سازمان شامل اعلامیه های رسمی، مطالب مذهبی، و سایر امور است. همچنین داعش از تلویزیون های با صفحه بزرگ که در پارک ها و میداین شهر در سوریه و عراق نصب شده اند برای پخش ویدئوهایی که اخیرا تهیه کرده است استفاده می کند.

توانایی سازمان در کسب درآمد برای تامین مالی هزینه های جهاد

تاسیس یک سازمان سیاسی به منظور جهاد برای برپا کردن خلافت اسلامی با استفاده از قدرت نظامی امری پر هزینه است. هر جنبه ای از فعالیت چنین سازمانی نیازمند پول است. به رزمندگان و پرسنل ستادی سازمان باید حقوق پرداخت کرد. خریدن ماموران دولتی که برعلیه آن مبارزه صورت می گیرد هم هزینه بر است. ارائه خدمات عمومی به مردم برای جذب حمایت آنها از سازمان نیز نیازمند منابع مالی است. به عبارت کلی تر، تمام وجوه فعالیت یک سازمان شورشی هزینه دارد. برای تامین این هزینه ها، سازمان های مبارز بسته به موقعیتشان راه حل های مختلفی را پیش گرفته اند. دامنه این راه حل ها گسترده است و از سرقت از بانکها، فروش مواد مخدر، و قاچاق اسلحه گرفته تا وضع مالیات بر فعالیت های اقتصادی انجام شده در منطقه تحت کنترل آنها را در بر می گیرد (Byman, 2001: 87).

¹ Sykes-Picot Agreement

دولت اسلامی هم از این قاعده کلی مستثنی نبوده است و برای تامین مخارج فعالیت های سیاسی، نظامی، عمرانی، و فرهنگی خود ناچار شده است شیوه های مختلفی را برای کسب درآمد در پیش بگیرد. بخش ذیل به صورت اجمالی به بررسی راه کارهای سازمان برای تامین هزینه های خود می پردازد.

نفت

بر طبق گزارشات، درآمدهای نفتی بخش بزرگی از منابع مالی دولت اسلامی را تشکیل میدهند. بعضی تخمین ها حاکی از آن است که تاسیسات نفتی سوریه که در اختیار سازمان است می توانند تا ۲۰۰ هزار بشکه در روز نفت تولید کنند (Al-Khatteeb and Gordts, 2014). این در حالی است که تاسیسات نفتی تحت تسلط دولت اسلامی در عراق می توانند ۸۰ هزار بشکه نفت دیگر در روز تولیدکنند (Razzouk, 2014). اما هنوز در مورد دو موضوع مهم شک و تردید وجود دارد. یکی موضوع میزان تولید واقعی از این تاسیسات است. دیگری نرخ فروش هر بشکه نفت در بازار سیاه است زیرا سازمان از طریق واسطه های متفاوتی نفت خود را به بازار سیاه می رساند و یا به مردمی که در قلمرو آن زندگی می کنند می فروشد. تخمین زده می شود که درآمدی که دولت اسلامی بابت فروش هر بشکه نفت دریافت می کند بین ۱۸ تا ۶۰ دلار است (Al-Khalidi, 2014; Leigh, 2014; and Mroue, 2014). حتی اگر تخمین های رده پائین را از میزان تولید را بپذیریم، درآمد نفتی سالانه سازمان به ۲۶۳ میلیون دلار در سال می رسد. دسترسی به این میزان درآمد سازمان را در رده بالای سازمانهای تروریستی از حیث منابع مالی قرار می دهد و می تواند کمک بزرگی به تامین هزینه های نظامی و حکمرانی سازمان بکند.

غنایم جنگی

زمانیکه سازمان در ژوئن سال ۲۰۱۴ شهر موصل را تصرف کرد، اخباری منتشر شد که حکایت از آن داشت که سازمان توانسته است حدود ۴۰۰ میلیون دلار وجه نقد

از بانکهای شهر به جیب بزند. گرچه که در مورد صحت این ادعا شک و تردید هایی مطرح شده است (Bender, 2014). به هر حال یکی از منابع آشکار درآمد سازمان غنائم فراوانی بوده است که باشکست دادن ارتش های عراق و سوریه و گروه های معارض دیگر نصیب دولت اسلامی شده. تحقیقاتی که پیشتر صورت گرفته است نشان می دهد که بخشی از سازمان ۴۰ درصد بودجه اش را صرف خریدن اسلحه و مهمات می کرده است (Shapiro, 2014). اگر این امر امروز هم صادق باشد، پس می توان نتیجه گیری که غنیمت گرفتن چند هزار خودرو زرهی آمریکایی موسوم به "هام وی"، توپ های صحرائی، سلاح های سبک، و سایر اقلام نظامی نه تنها در عرصه نبرد امتیاز مهمی به سازمان می دهد بلکه همچنین سبب صرفه جویی مالی قابل توجهی برای سازمان گشته است (Chulov and Lewis, 2014).

اما جنگ افزار تنها غنائمی نیست که به دست سازمان افتاده. سازمان همچنین از طریق قاچاق اشیاء عتیقه و گروگان گیری درآمدهای قابل توجهی کسب کرده است. گرچه هنوز شیوه رساندن عتیقه جات به دست خریداران معلوم نیست، ولی فروش اشیاء عتیقه در بازارهای سیاه در سرتاسر دنیا میلیون ها دلار نصیب سازمان نموده است. سازمان علاوه بر این که خود دست اندر کار قاچاق عتیقه است از کسانی که خود عتیقه جات را پیدا کرده و می فروشند و نیز افرادی که صرفا در زمینه نقل و انتقال عتیقه جات به بازار فروش فعال هستند هم مالیات می گیرد (Vlasic, 2014). سازمان همچنین از طریق گروگان گیری و سپس آزاد نمودن آنها در ازای دریافت پول مبالغ زیادی که شایع است سر به میلیون ها دلار می زند در آمد کسب می کند (Lawyer, 2014).

¹ Humvee

زکات، کمک های مالی و مالیات

یکی دیگر از راه های کسب درآمد برای سازمان گرفتن کمک مالی از تجار و کسبه ای است که در قلمرو سازمان زندگی می کنند و یا سازمان در محل کسب و کار آنها حضور گسترده ای دارد. سازمان به اسم گرفتن زکات، پول گرفتن از تجار و کسبه را توجیه می کند (Shapiro, 20014). صرف نظر از اینکه چه اسمی بر روی این کار بگذاریم، این امر منبع درآمد مهمی برای سازمان محسوب می گردد. حتی پیشتر از آنکه شهر موصل سقوط کند، گزارش ها حاکی از آن بود که سازمان ماهانه ۱ میلیون دلار فقط از این شهر درآمد دارد (Fordham, 2014). یکی از مقامات عراقی بر این نظر است که مبلغ ۸ میلیون دلار بیشتر به واقعیت نزدیک است (Qarawei, 2014). با توجه به اطلاعاتی که از سوی سازمان منتشر شده است می توان انتظار داشت که این راه و رسم معمول سازمان در تمام قلمرو اش باشد (Soguel, 2014).

گذشته از زکات، سازمان از کامیون هایی که حین حرکت به سمت مقصدشان از داخل اراضی سازمان می گذرند درآمد کسب می کند. دولت اسلامی موقع اخذ عوارض یک رسید به راننده می دهد و از طریق بیسیم به سایر محل های ایست و بازرسی مشخصات کامیون را اطلاع می دهد تا راننده بتواند بدون درد و سر و نیاز به توقف از ایستگاه های دیگر عبور کند (Bronstein and Griffin, 2014).

سازمان همینطور هر بار که مردم از حساب بانکی اشان برداشت میکنند مبلغی را به عنوان مالیات از آنها کسر می کند (Dilshad, 2014).

نتیجه گیری

پیدایش و شکل گیری سازمان دولت اسلامی در عراق مولود تعامل میان عوامل متعدد ملی، منطقه ای، و بین المللی است. ظهور و رشد بنیاد گرائی سلفی و جهادی در بین اهل تسنن در خاورمیانه در دهه ۱۹۸۰ منجر به تشکیل گروه های سلفی جهادی در کشورهای مختلف منطقه گردید. حمله شوروی به افغانستان در سال ۱۹۷۹ سبب تجمع عناصر سلفی و جهادی در این کشور برای جهاد با ارتش شوروی و حکومت مارکسیست حاکم بر این کشور شد. این امر سبب رادیکال تر شدن نیروهای جهادی از یک سو و پیوند گروه های جهادی حاضر در افغانستان از سوی دیگر شد. با شکست ارتش شوروی در افغانستان و خروج نیروهای نظامی آنها از این کشور بسیاری از مبارزین سلفی به کشورهای خود بازگشتند و به ترویج اسلام سلفی و جهادی در ممالک خود، تشکیل سازمان های جهادی، و مبارزه بر علیه دولت های حاکم بر آن کشورها پرداختند. بدین ترتیب بنیاد گرائی اسلامی در سطح منطقه گسترش پیدا کرد و با خود بی ثباتی سیاسی و جنگ داخلی را به همراه آورد.

حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ باعث سرنگونی حزب بعث و انتقال قدرت از دست اهل تسنن به اکثریت شیعه، و نیز ایجاد یک خلع سیاسی در عراق گردید. این وضعیت زمینه مناسبی را برای رشد و نمو سازمانهای سیاسی، نظامی، و تکفیری در عراق فراهم کرد. ابو مصعب الزرقای از این هرج و مرج استفاده کرد تا یک تشکل سیاسی-نظامی به وجود بیاورد. هدف زرقاوی از این کار مبارزه نظامی برای اخراج نیروهای اشغالگر آمریکایی، سرنگونی حکومت شیعیان، و تشکیل خلافت اسلامی در عراق و گسترش آن به سایر کشورهای اسلامی بود.

برای نیل به اهدافش زرقاوی دست بیعت به بن لادن داد و نام سازمان خود را به القاعده در عراق تغییر داد. ولی دیری نگذشت که به علت اختلافات استراتژیک مثل اولویت دادن در مبارزه به دشمن دور یا نزدیک، و لزوم یا عدم لزوم تشکیل یک دولت

اختلافات مهمی بین رهبران سازمان القاعده در عراق و بن لادن و ظواهری رخ داد. این اختلافات نهایتاً منجر به جدائی بین دو گروه شد و باعث شد که جانشینان زرقاوی گروهی مستقل به نام دولت اسلامی در عراق و سوریه را تشکیل دادند.

جنبش های مردمی در خاورمیانه که به بیداری اسلامی موسوم شد نیز بر روی تطور و تکامل دولت اسلامی در عراق و سوریه اثر گذاشت. با بروز نا آرامی ها در سوریه در سال ۲۰۱۱ زمینه مساعدی برای گسترش حیطه مبارزه سازمان به مناطق شرقی سوریه پدید آمد. با استفاده از کمک های مالی و نظامی دولت های منطقه، سازمان توانست جای پای خود را در شرق سوریه محکم کند. به این ترتیب در سال ۲۰۱۴ گروهی از نیروهای سازمان از سوریه وارد خاک عراق شدند و مناطق گسترده ای از غرب عراق منجمله شهر موصل را به تصرف خود در آوردند. این پیشرویهها زمینه را برای اعلام تشکیل خلافت اسلامی در قلمرو سازمان فراهم کرد. به این شکل سازمان یک دولت جدید در خاورمیانه تشکیل داد. گرچه هنوز هیچ کشوری این دولت را به رسمیت نشناخته است ولی این دولت کما کان یک واقعیت عینی است.

در طی دوازده سالی که از تشکیل هسته اولیه دولت اسلامی گذشته است سازمان، پستی و بلندی های بسیاری را پشت سر گذاشته است. اما از زمانی که ابوبکر البغدادی رهبری سازمان را در سال ۲۰۱۰ به عهده گرفته دولت اسلامی به توفیقات مهمی دست پیدا نموده است. در طول چهار سال گذشته سازمان توانسته است بارقه ای از امید را در میان اهل سنت در خاورمیانه روشن نماید. از یک سو، سازمان دست به تشکیل آنچه نظام خلافت اسلامی می خواند زده است و از سوی دیگر سازمان تلاش نموده است که در قلمرو خود امکانات یک زندگی نسبتاً آرام را برای سکنه خود فراهم کند. به موازات این مساعی، پیروزی های نظامی دولت اسلامی هم این امید را در بین اهل تسنن در عراق و سوریه تقویت کرده که سازمان از این توانائی برخوردار است که امنیت آنان را تضمین نموده و عصری نو را برای آنان رقم بزند.

دستگاه تبلیغاتی سازمان هم در موفقیت آن نقش مهمی ایفاء کرده است. این دستگاه با رسم تصویری اسلامی از سازمان توانسته هزاران داوطلب سنی اعم از زن و مرد را از اقصی نقاط جهان برای پیوستن به صفوف دولت اسلامی را جذب کند. علاوه بر آن، با تهیه فیلم هایی از اعدام مخالفین به خصوص از طریق بریدن سر آنها موجی از ترس را در دل دشمنان سازمان انداخته است. این ترس سبب شده است که در بسیاری از درگیری های نظامی قوای ارتش عراق و سوریه و نیز پیشمرگان کرد از برابر رزمجویان دولت اسلامی بگریزند.

یکی دیگر از نقاط قوت دولت اسلامی توانائی آن در تامین مالی فعالیت های سازمان است. مدیریت موثر سازمان بر منابعی که در دسترس آن قرار داشته است به سازمان اجازه داده است که از نظر مالی بر روی پاهای خود بایستد. عمده این درآمدها از راه فروش نفت خام مخازن نفتی که در سوریه و عراق به دست سازمان افتاده است تامین می شود. همین منابع به سازمان اجازه داده اند که به یکی از ثروتمند ترین سازمان های تروریستی جهان تبدیل گردد. علی رغم وجود درآمدهای نفتی قابل توجه، سازمان از منابع درآمدی دیگری که در اختیارش بوده است غفلت نورزیده است. فروش عتیقه جات، بستن مالیات بر فعالیت های اقتصادی و کامیون های عبوری، و گروگان گیری هم از ممر های دیگر تامین مالی سازمان بوده اند. به این شکل امروز سازمان از نظر تامین مخارج فعالیت های خود مشکلی ندارد.

به طور کلی باید گفت که رهبری موفق ابوبکر بغدادی سبب پیروزی سازمان در عرصه نظامی و پایداری و ماندگاری دولت به اصطلاح خلافت اسلامی شده است. از این رو تا زمانی که دو دولت سوریه و عراق نتوانند نقاط ضعف نظامی و سیاسی خود را جبران کنند سایه سیاه دولت اسلامی از منطقه رخت نخواهد بست.

منابع:

- Ahmed, Ali, Jessica Lewis, and Kimberly Kagan. "The ISIS Battle Plan," Institute for the Study of War, June 12, 2014. <http://www.understandingwar.org/backgrounder/isis-battle-plan>
- Hannah, Allam, "Records show how Iraqi extremists withstood U.S. anti-terror efforts," *McClatchy DC*, 23 June 2014. <http://www.mcclatchydc.com>
- Ashour, Omar. *The De-Radicalization of Jihadists: Transforming Armed Islamist Movements* (New York: Routledge, 2009).
- Bender, Jeremy. "Iraqi Bankers Say ISIS Never Stole \$430 Million from Mosul Banks," *Business Insider*, 17 July 2014. <http://www.businessinsider.com/isis-never-stole-430-million-from-banks-2014-7>
- Barrett, Richard. *Foreign Fighters in Syria*, Soufan Group, June 2014. <http://soufangroup.com/foreign-fighters-in-syria/>
- Berger, J.M. "Gambling on the Caliphate," Intelwire blog, June 29, 2014. <http://news.intelwire.com/2014/06/gambling-on-caliphate.html>
- Boghardt, Lori Plotkin. "Saudi Funding of ISIS," *Washington Institute for Near East Policy*, 23 June 2014. <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/saudi-funding-of-isis>
- Brachman, Jarret M. *Global Jihadism: Theory and Practice* (New York: Routledge, 2009).
- Bronstein, Scott and Drew Griffin, "Self-funded and deep-rooted: How ISIS makes its millions," CNN, 7 October 2014. <http://edition.cnn.com/2014/10/06/world/meast/isis-funding/>
- Bunzel, Cole. From Paper State to Caliphate: The Ideology of the Islamic State, The Brookings Project on U.S. Relations with Islamic States, Analysis Paper, No. 19, March 2015. <http://www.brookings.edu>
- Byman, Daniel. et al., *Trends in Outside Support for Insurgent Movements* (Santa Monica, CA: RAND, 2001). http://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/monograph_reports/2007/MR1405.pdf
- Caris, Charles C. and Samuel Reynolds. "ISIS Governance in Syria," Middle East Security Report 22, Center for the Study of War, July 2014. http://www.understandingwar.org/sites/default/files/ISIS_Governance.pdf

Chulov, Martin and Paul Lewis, "Isis jihadis using captured arms and troop carriers from US and Saudis," *Guardian*, 8 September 2014. <http://www.theguardian.com/world/2014/sep/08/>

Dicharry, Nichole. "Iraq Situation Report: August 13, 2014," Institute for the Study of War, August 21, 2014. <http://www.understandingwar.org/backgrounder/iraq-situation-report-august-13-2014>

Dickinson, Elizabeth. "ISIS advance in Iraq forces Gulf donors to rethink their patronage," *Christian Science Monitor*, 18 June 2014. <http://www.csmonitor.com/World/Middle-East/2014/>

Dilshad Hamid, "What is behind the Islamic State's decision to reopen banks in Mosul?," *al-Akhbar*, 12 September 2014. <http://english.al-akhbar.com/content/what-behind-islamic-state>

Fahim, Kareem. "In Brazen Strike, Sunni Militants Storm Central Iraqi City," *New York Times*, June 5, 2014. <http://www.nytimes.com/2014/06/06/>

Fordham, Alice. "For Extremists in Syria, Extortion Brings Piles of Cash from Iraq," *National Public Radio*, 21 April 2014. <http://www.npr.org/sections/parallels/2014/04/21/>

Hafez, Mohammed. *Suicide Bombers in Iraq: The Strategy and Ideology of Martyrdom* (Washington, DC: **United States Institute of Peace** Press, 2007).

Haykel, Bernard. "On the Nature of Salafi Thought and Action," in Roel Meijer (ed.) *Global Salafism: Islam's New Religious Movement* (New York: Columbia University Press, 2009).

Holmquist, Erika. *ISIS and Hezbollah: Conduits of Instability*, Swedish Defense Research Agency, February 2015. <http://www.foi.se/en/Top-menu/Pressroom/News/2015/ISIS-and-Hezbollah-creating-instability>

ISIS: Portrait of a Jihadi Terrorist Organization, The Meir Amit Intelligence and Terrorism Information Center, The Israeli Intelligence and Heritage Commemoration Center, November 2014. <http://www.terrorism-info.org.il/en/article/20733>

Jansen, J.G. *The Neglected Duty: The Creed of Sadat's Assassins and Islamic Resurgence in the Middle East* (New York: MacMillan, 1986).

Kirdar, M.J. "Al-Qaeda in Iraq," AQAM Futures Projects Case Study Series, Center for Strategic and International Studies, Washington, D.C., June 2011. http://csis.org/files/publication/110614_Kirdar_AlQaedaIraq_Web.pdf

Knights, Michael. "Iraq's City of Orphans," *Foreign Policy*, August 14, 2014. <http://foreignpolicy.com/2014/08/14/iraqs-city-of-orphans/>

Knights, Michael. "The Resurgence of Al-Qaeda in Iraq," testimony before the House Foreign Affairs Committee, December 12, 2013.

www.washingtoninstitute.org/uploads/Documents/testimony/KnightsTestimony20131212.pdf.

Lahoud, Nelly. "Metamorphosis: From al-Tawhid wa-al-Jihad to Dawlat al-Khilafa (2003-2014)," in al-'Ubaydi, ed., *The Group That Calls Itself a State: Understanding the Evolution and Challenges of the Islamic State*, The Combating Terrorism Center at West Point, December 2014. <https://www.ctc.usma.edu/v2/wp-content/uploads/2014/12/>

Leigh, Karen. "ISIS Makes Up To \$3 Million a Day Selling Oil, Say Analysts," *ABC News*, 2 August 2014.

Lim, Richard. "Terrorists, Insurgents, and Lessons of History," *National Security Watch*, The Institute of Land Warfare, 22 December 2014. <http://www.ausa.org/>

March, Andrew F. and Mara Revkin, "Caliphate of Law: ISIS' Ground Rules," *Foreign Affairs*, Council on Foreign Relations, April 15, 2015. <https://www.foreignaffairs.com/articles/syria/2015-04-15/caliphate-law>

McCoy, Terrence. "The apocalyptic magazine the Islamic State uses to recruit and radicalize foreigners," *Washington Post*, 16 September 2014. <http://www.washingtonpost.com/news/morning-mix/wp/2014/09/16/>

McClure, Sean M. "The Lost Caravan: The Rise and Fall of al- Qaeda in Iraq, 2003–2007" (MSc. Dissertation, Naval Postgraduate School, 2010). www.dtic.mil/

MEMRI: Special Dispatch no. 884 - The Iraqi Al-Qa'ida Organization: A Self-Portrait." Middle East Media Research Institute. <http://www.memri.org/>

Mroue, Bassem. "Syria, Iraq Oil Controlled by Islamic State Group," *ABC News*, 25 September 2014. <http://www.washingtonexaminer.com>

Napoleoni, Loretta. *The Islamist Phoenix: The Islamic State and the Redrawing of the Middle East* (New York: Seven Stories Press, 2014).

Neriah, Jacques. "The Structure of the Islamic State (ISIS)," Jerusalem Center for Public Affairs, 8 September 2014. <http://jcpa.org/structure-of-the-islamic-state/>

Ollivant, Douglas A. and Brian Fishman, "State of Jihad: The Reality of the Islamic State in Iraq and Syria," *War on the Rocks*, May 21, 2014. <http://www.washingtonexaminer.com>

Pollack, Kenneth. "Iraq: Understanding the ISIS Offensive Against the Kurds," The Brookings Institution, August 11, 2014. <http://www.brookings.edu/blogs/markaz/posts/2014/08/11-pollack-isis-offensive-against-iraq-kurds>

Price, Brayan, Dan Milton, and Muhammad al-Ubaydi. "Al-Baghdadi's Blitzkrieg, ISIL's Psychological Warfare, and What It Means for Syria and Iraq," *CTC Perspectives*, 12 June 2014. <https://www.ctc.usma.edu>

Razzouk, Nayla. "Militants Hold Seven Iraq Oil Fields After Syria Blitz, IEA Says," *Bloomberg News*, 12 August 2014. <http://www.bloomberg.com/news/articles/2014-08-12>

Riedel, Bruce. *The Search for Al Qaeda: Its Leadership, Ideology and Future* (Washington D.C.: The Brookings Institution Press, 2008).

Scales, Robert and Douglas Ollivant. "Terrorist Armies Fight Smarter and Deadlier Than Ever," *Washington Post*, August 1, 2014. <https://www.washingtonpost.com>

Shapiro, Jacob. "Smuggling, Syria, and Spending," in *Bombers, Bank Accounts, and Bleedout: Al-Qa`ida's Road In and Out of Iraq*, ed. Brian Fishman, *CTC Report*, 14 July 2008, Chapter 3. http://www.princeton.edu/~jns/publications/Sinjar_2_July_23.pdf

Sherlock, Ruth. "Inside the Leadership of Islamic State: How the New 'Caliphate' is Run," *Daily Telegraph*, July 9, 2014. <http://www.telegraph.co.uk>

Soguel, Dominique. "Heard at Syria's border: Life in the Islamic State is orderly, but brutal," *Christian Science Monitor*, 21 September 2014. <http://www.csmonitor.com>

Tomlinson, Lucas. "Welcome to Islamic State TV: US officials battle to counter 'slick' ISIS media arm," *Fox News*, 11 October 2014. <http://www.foxnews.com>

Varghese, Johnlee. "Islamic State 'Army Police' Takes Charge of Security in Mosul" *International Business Times*, 19 September 2014. <http://www.ibtimes.co.in>

Vitale, Heather Marie and James M. Keagle, "A Time to Tweet, as Well as a Time to Kill: ISIS's Projection of Power in Iraq and Syria," *Defense Horizons*, Institute for National Strategic Studies, National Defense University, Singapore, October 2014. <http://www.isn.ethz.ch>

Vlasic, Mark. "Islamic State sells 'blood antiquities' from Iraq and Syria to raise money," *Washington Post*, 14 September 2014. <https://www.washingtonpost.com>

Wagemakers, Joas. "The Transformation of a Radical Concept: *Al-Wala' wa-l-Bara'* in the Ideology of Abu Muhammad Al-Maqdisi," in Roel Meijer (ed.) *Global Salafism: Islam's New Religious Movement* (New York: Columbia University Press, 2009).

Windrem, Robert. "Who's Funding ISIS? Wealthy Gulf 'Angel Investors,' Officials Say," NBC News, 21 September 2014. <http://www.nbcnews.com>

Aaron Y. Zelin, "Up to 11,000 Foreign Fighters in Syria; Steep Rise Among Western Europeans," *ICSR Insight*, 17 December 2013. <http://icsr.info/2013/12>

Zelin, Aaron. "The Islamic State of Iraq and Syria Has a Consumer Protection Office," *The Atlantic*, June 13, 2014. <http://www.theatlantic.com/international/archive/2014/06>

Al-Dulaimy, Mohammed and Hannah Allam, "Witnesses Describe How Islamists Leveled Sunni Village as a Warning," McClatchy Newspapers, July 11, 2014. <http://www.mcclatchydc.com>

Al-Khalidi, Suleiman. "Here's How ISIS Uses Oil to Fuel Its Advances," *Business Insider*, 18 September 2014. <http://www.businessinsider.com>

Al-Khatteeb, Luay, and Eline Gordts. "How ISIS Uses Oil to Fund Terror," *Brookings*, 27 September 2014. http://www.huffingtonpost.com/2014/09/27/isis-oil_n_5877008.html

Al-Qarawee, Harith. "Al-Qaeda Sinks Roots in Mosul," *al-Monitor*, 24 October 2013. <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2013/10/al-qaeda-mosul-iraq-sunnis-minorities.html>

Al-Ubaydi, Mohammad. "The Group That Calls Itself a State: Understanding the Evolution and Challenges of the Islamic State," The Combating Terrorism Center at West Point, 2014. <https://www.ctc.usma.edu>

Al-Zarqawi, *Untitled Letter*, 2004, http://www.cpa-iraq.org/transcripts/20040212_zarqawi_full.html (accessed January 7, 2010).